

آشنایی با قانون تجارت جهانی

۱	معرفی اجمالی سازمان جهانی تجارت (WTO).....
۲	روند تاریخی تشکیل سازمان تجارت جهانی (از موافقتنامه عمومی تعرفه و تجارت تا سازمان جهانی تجارت).....
۵	موافقتنامه عمومی تعرفه و تجارت (گات).....
۱۴	قواعد و اصول اساسی گات ۱۹۹۴.....
۱۵	اهداف تشکیل سازمان تجارت جهانی.....
۱۸	مزایای عضویت در سازمان تجارت جهانی.....
۲۰	اهداف سازمان تجارت جهانی.....
۲۱	اصول سازمان تجارت جهانی.....
۲۲	ارکان سازمان تجارت جهانی.....
۲۵	ساختار سازمان تجارت جهانی.....
۲۷	نقش و جایگاه سازمان جهانی تجارت در اقتصاد بین الملل.....
۲۸	رفتارهای تبعیض آمیز با کشورهای غیر عضو.....
۳۰	موافقان و مخالفان جهانی سازی و کشورهای جهان سوم.....
۳۷	امکانات بالقوه عضویت در سازمان جهانی تجارت (WTO).....
۳۸	ضرورت های تعامل فعال و سودمند کشور با اقتصاد جهانی.....
۳۹	کیفیت عضویت در سازمان جهانی تجارت، رقابت پذیری و تعامل با اقتصاد جهانی.....
۴۱	اصلی ترین کارکردهای اصول نظام تجاری چند جانبه در اقتصاد ملی کشورها.....
۴۱	الحاق به سازمان تجارت جهانی.....
۴۲	فرآیند الحاق به سازمان تجارت جهانی.....
46	ایران و سازمان تجارت جهانی.....
۴۸	کلیات الزامات ایران در فرایند الحاق.....

۴۹..... ادغام های اقتصادی منطقه ای.....

50..... انواع ادغام های منطقه ای.....

۵۱..... اتحادیه اروپا.....

۵۲..... منطقه آمریکا.....

۵۳..... آسیا.....

۵۴..... آفریقا.....

معرفی اجمالی سازمان جهانی تجارت (WTO)

بعد از جنگ جهانی دوم و به دنبال تاسیس نهادهای برتون وودز، شامل صندوق بین المللی پول و بانک جهانی، ضرورت تاسیس یک نهاد بازرگانی جهانی جهت انتظام بخشیدن به مبادلات آزاد و از میان برداشتن محدودیتها و کاهش حقوق و عوارض گمرکی احساس گردید و کوشش هایی در این خصوص آغاز شد. این تلاش ها اولین بار در کنفرانس هاوانا و با امضای بخشی از منشور هاوانا در خصوص تجارت که یک قرارداد ۳۴ ماده ای بود و در ۳۰ اکتبر ۱۹۴۷ بین ۲۳ کشور عمدتاً پیشرفته صنعتی منعقد شد و از آن تحت عنوان موافقتنامه عمومی تعرفه و تجارت (GATT) یاد می شود به نتیجه رسید. به طور کلی هدف اصلی گات توسعه تجارت جهانی و رفع موانع موجود بر سر راه مبادلات بین المللی با بکار گیری ابزارهایی است که رعایت آن از سوی کشورها منجر به گسترش تجارت و کاهش موانع تجاری خواهد شد. این ابزارها در اصل اصول اساسی گات را تشکیل می دهد که در طول ۸ دور مذاکرات آزادسازی های تجاری تا زمان تاسیس سازمان جهانی تجارت در سال ۱۹۹۴ مورد استفاده قرار گرفته است. هشتمین دور مذاکرات تجاری که از سال ۱۹۸۶ تا ۱۹۹۴ به طول انجامید تحولات و گسترش حوزه های موضوعی زیادی را در موافقتنامه عمومی تعرفه و تجارت (گات) پدید آورد که مدیریت و پیشبرد اهداف تعیین شده در آن، نهاد نیرومندی را طلب می کرد که منجر به تاسیس سازمان جهانی تجارت (WTO) برای نظارت بر اجرای تصمیمات و موافقتنامه های دور اروگوئه و تداوم مذاکرات آزادسازی های بعدی و همچنین رسیدگی به اختلافات بین اعضا گردید. در حالی که تا قبل از تاسیس سازمان جهانی تجارت محور گفتگوهای آزادسازی تجاری صرفاً بخش کالایی را از طریق کاهش موانع تعرفه ای در برمی گرفت، موافقتنامه های منعقد شده در پایان مذاکرات دور اروگوئه سه حوزه کالا، خدمات و حقوق مالکیت فکری را به نحو گسترده ای تحت پوشش خود قرار داد. حاصل مذاکرات دور اروگوئه ایجاد ۲۰ موافقتنامه مختلف در سه حوزه مذکور بود که در بخش کالایی، موافقتنامه عمومی تعرفه و تجارت که از آن تحت عنوان گات ۱۹۹۴ نام برده می شود کماکان پایه و اساس آزادسازی های تجاری در این بخش محسوب می شود. از این رو آگاهی از اصول اساسی گات و ضوابط مربوط به آن بسیار مهم بوده که در ادامه به اختصار معرفی می گردد.

روند تاریخی تشکیل سازمان تجارت جهانی

(از موافقتنامه عمومی تعرفه و تجارت تا سازمان جهانی تجارت)

کشورهای در حال توسعه کمتر از یک چهارم تجارت جهان را به خود اختصاص داده اند و بیشتر کشورهای جهان نیز در زمره کشورهای کمتر توسعه یافته به حساب می آیند.

تجارت آنها بیشتر شامل صادرات مواد اولیه، سوخت، مواد معدنی و محصولات غذایی به کشورهای صنعتی، غنی و توسعه یافته است و در مقابل عمده‌تأ کالاهای ساخته شده وارد می کنند. به دلیل الگوی تجارت و شرایط خاص داخلی و نیز نحوه عملکرد نظام پولی بیشتر منافع حاصل از رشد این کشورها از طریق بهبود مستمر رابطه مبادله به جیب کشورهای توسعه یافته می رود. کشورهای در حال توسعه سعی می کنند از طریق بالا بردن قیمت کالاهای صادراتی خود، طرح‌های تثبیت عواید صادراتی و صنعتی شدن از طریق جانشینی واردات یا ایجاد محدودیتهای تجاری که به محدودیت‌های تعرفه‌ای و غیرتعرفه‌ای تقسیم می شود و اصلاح نظام پولی منافع را تا حدی متوجه خود نمایند. تعرفه‌های گمرکی که بر حسب ارزش واردات تعیین شده اند بیش از سایر محدودیتهای مورد توجه قرار می گیرند و معمولاً برای محدود کردن مقدار واردات وضع می شوند سهمیه وارداتی یک محدودیت کمی مستقیم است که بر واردات کالا وضع می شود و بسیاری از اثرات تعرفه وارداتی را دارد.

وضع تعرفه معمولاً رابطه مبادله کشور را بهبود می بخشد حجم تجارت را کاهش می دهد و ممکن است رفاه کشور را بهبود بخشد ولی ممکن است کشورهای دیگر نیز اقدام متقابل کنند که در این صورت هر دو کشور معمولاً زیان می کنند. استدلالاتی در حمایت از تعرفه شده است که مهمترین آنها می گوید تعرفه برای حمایت از تولید کنندگان داخلی در مقابل سیاست ارزان فروشی کالاهای وارداتی دیگران است، تعرفه موجب رشد صنایع داخلی می شود تا آنکه به کارآیی برسند و اینکه تعرفه در جهت حمایت از صنایعی است که از نظر دفاع ملی اهمیت دارد. به هر حال همه این استدلالات باید در هر مورد خاص دقیقاً ارزیابی شوند. دلایل مختلف دیگری از قبیل ایجاد اشتغال و برقراری توازن در موازنه تجاری و حتی اهداف غیر اقتصادی نیز گاه عنوان می شوند که اهمیت خاص خود را دارند.

تجربه سال‌های بین دو جنگ ۱۹۲۱-۱۹۳۹ نشان می دهد که در طی این دوره تجارت بین‌المللی به واسطه تعرفه‌ها، سهمیه‌ها و سایر موانع تجاری شدیداً محدود شده بود که دلایل اصلی آن رکود و بیکاری حاکم بر

کشورهای توسعه یافته بود. در حقیقت جنگ جهانی اول مشکلات زیادی برای کشورهای اروپایی از قبیل کسری موازنه پرداخت ها، کاهش ارزش پول و بیکاری گسترده بوجود آورد که دولت های اروپایی و آمریکا را وادار نمود تا با اجرای سیاست های حمایتی و اقدامات تلافی جویانه از صنایع خود حمایت نمایند. پس از گذشت حدود ده سال از جنگ جهانی اول کشورهای اروپایی اقتصاد را بازسازی کردند و تولیدات صنعتی خود را تا حد قابل ملاحظه ای توسعه داده و به این ترتیب وجود محدودیت ها مانع از شکوفایی تجارت بین الملل می شد. به همین دلیل کنفرانسی زیر نظر جامعه ملل در سال 1927 در شهر ژنو تشکیل شد تا موانع تجاری را برطرف نموده و راه را برای ایجاد یک لیبرالیسم اقتصادی فراهم نمایند و کشورها را برای رعایت شرط دول کامله الوداد (رفتار برابر با یکدیگر) آماده نماید. اما اعلامیه پایانی این کنفرانس به صورت توصیه و سفارشات ارشادی باقی ماند و جامه عمل نپوشید.

رکود اقتصادی دهه 1930 باعث شد تا کشورها با وضع برخی سیاست های اقتصادی همانند افزایش تعرفه های وارداتی با تبعیض بین کشورها، اصول مربوط به آزادی تجارت را خدشه دار سازند. در این راستا هر چند آمریکا و انگلیس توانستند به طور کوتاه مدت بر برخی مشکلات اقتصادی خود فائق آیند ولیکن مواجه با اقدامات تلافی جویانه از سوی سایر کشورها گردیدند، که نتیجتاً حجم تجارت بین الملل شدیداً کاهش یافت و بر وخامت اوضاع اقتصادی افزوده شد. این امر منجر به آن شد که کشورها در جهت رفع موانع تجاری خود برآیند و قراردادهای چندجانبه ای در این راه تنظیم کنند. از سوی دیگر بروز جنگ جهانی دوم و بروز خشونت ها و لزوم ترمیم خرابیهای جنگ نظریه تنظیم روابط تجاری بر اساس رقابت سالم را (ITO) بیشتر تقویت کرد. کشورهای عمده تجاری موافقت کردند تا سازمان تجارت بین المللی همراه با بانک بین المللی ترمیم و توسعه و صندوق بین المللی پول بوجود آیند. ولی از آنجائیکه آمریکا آنرا تهدیدی برای حق حاکمیت آمریکا دانست سازمان یاد شده بوجود نیامد.

در سال 1934 رئیس جمهور آمریکا طبق قانون مجاز شد تا با کشورهای دیگر درجهت کاهش تعرفه های متقابل مذاکره کند. در سال 1945 این قانون بار دیگر به وسیله کنگره آمریکا مطرح و تمدید گردید و طبق آن تعدادی از کشورها برای انجام مذاکرات چند جانبه در مورد کاهش تعرفه های تجاری با یکدیگر به مذاکره نشستند در همین زمان اولین قطعنامه کمیسیون اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل متحد کشورها را برای تهیه پیش نویس یک سازمان تجاری دعوت کرد. در کنفرانس ژنو، سه موضوع مطرح گردید کاهش تعرفه های گمرکی، تهیه موافقت نامه

عمومی تعرفه و تجارت (گات) و پیش نویس سازمان تجارت بین الملل. ناگفته نماند که در سال ۱۹۴۴ قبل از پایان جنگ به دعوت رئیس جمهور وقت آمریکا روزولت کنفرانسی نیز با شرکت نمایندگان 44 کشور در برتن وودز تشکیل شد و طی آن موافقت نامه تاسیس صندوق بین المللی پول و همچنین بانک بین المللی ترمیم و توسعه (بانک جهانی) نیز امضاء شد که این کارها را می توان به عنوان تلاشی برای جلوگیری از بازگشت به هرج و مرج در بازرگانی و تامین مالی بین المللی که بعد از جنگ جهانی اول حاکم شده بود قلمداد کرد.

در کنفرانس برتون وودز مشکلات تجارت بین الملل نیز مطرح شد و پیشنهاد گردیده منظور منع محدودیت های تجاری و کاهش حقوق گمرکی، سازمانی تحت عنوان سازمان تجارت بین المللی تاسیس شود. برای تاسیس این سازمان در سال 1945 آمریکا برگزاری کنفرانسی را پیشنهاد کرد که سرانجام در سال 1946 در لندن تشکیل شد. ولی این کنفرانس بدون نتیجه پایان یافت. متعاقب این کنفرانس، شورای اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل کمیته ای مرکب از نمایندگان چند کشور از جمله آمریکا را مسئول پی گیری تاسیس سازمان تجارت بین المللی کرد. این کمیته مقدمات تهیه منشور تجارت جهانی را تدارک دید. متعاقب آن در سال 1948 کنفرانسی در هاوانا با شرکت 56 کشور جهان برگزار گردید. در این کنفرانس منشور تهیه شده مورد اعتراض بسیاری از کشورها به ویژه کشورهای در حال توسعه قرار گرفت. بنابراین پیشنهادهای دیگری هم به آن اضافه شد. کنفرانس هاوانا جدای از مساله تجارت به موضوعات دیگر نیز نظیر اشتغال، توسعه و فعالیت کارتل ها هم پرداخت. چون کشورهای در حال توسعه منشور هاوانا را به نفع کشورهای پیشرفته می دانستند و کشورهای پیشرفته نیز آن را به سود کشورهای در حال توسعه می دیدند عملاً فقط کشورهای استرالیا و لیبریا موفق به تصویب آن در پارلمان خود شدند و سایر کشورها حتی آمریکا که خود از طراحان آن بود نتوانستند آن را به تأیید کنگره خود برسانند.

هدف اولیه این بود که نهاد ثالثی ایجاد شود تا همکاری اقتصادی بین المللی را هدایت کند و به مؤسسات برتن وودز (بانک جهانی و صندوق بین المللی پول) ملحق شود. طرح کامل آن ابتدا با استقبال 50 کشور مواجه شد. این بود که سازمان تجارت بین المللی (ITO) به عنوان یک کارگزاری تخصصی سازمان ملل متحد تاسیس شود. منشور (ITO) بسیار بلند پروازانه بود که فراتر از نظامات تجارت جهانی قرار داشت و شامل مقررات اشتغال، موافقت نامه های کالایی رویه های کسب و کار محدودکننده، سرمایه گذاری بین المللی و خدمات می شد.

بنابراین سازمان تجارت بین الملل (ITO) عملاً تحقق نیافت ولی یکی از موضوعات منشور این سازمان پیشنهادی، قراردادی مشتمل بر چند ماده بود که میان 23 کشور (16 کشور در حال توسعه و 7 کشور پیشرفته) منعقد گردید

این قرار داد به موافقت نامه عمومی تعرفه و تجارت یا گات معروف گردید که از سال 1948 به اجرا درآمد. پیمان گات به خاطر تحقق اهدافی منعقد گردید که از آن جمله می توان به افزایش اشتغال، تولید، درآمد واقعی و ارتقاء سطح زندگی در کشورهای عضو اشاره کرد. از دیدگاه گات این اهداف جز با توسعه تجارت جهانی محقق نمی شود و تجارت جهانی نیز توسعه نمی یابد مگر با رفع موانع موجود بر سر راه مبادلات بین المللی که البته استثنائات متعددی نیز داشت که مبتنی بر ضرورت های سیاسی و اقتصادی بود. عدم ایجاد سازمان تجارت بین الملل از یک طرف و ادامه حیات گات باعث شد تا گات رفته رفته وظایف سازمانی و تشکیلاتی بیابد و عملاً به عنوان یک سازمان بین المللی - تجاری ادامه فعالیت نماید.

موافقتنامه عمومی تعرفه و تجارت (گات)

از سال 1948 تا 1994، موافقتنامه عمومی تعرفه و تجارت (گات) قواعدی را برای بخش زیادی از تجارت جهانی وضع کرد و در طول این دوره رشد بازرگانی بین المللی از نرخ بالایی برخوردار بود. این سازمان بسیار خوب استقرار یافت اما در طول 47 سال یک سازمان و موافقتنامه موقتی بود. نحوه فعالیت گات تاکنون انجام مذاکرات تجاری به منظور کاهش و الزام آور نمودن محدودیت تعرفه های گمرکی و دیگر موانع تجاری موجود بر سر راه مبادلات بین المللی بوده است به طوریکه از سال 1947 تا به امروز نه دور مذاکرات علاوه بر نشست های سالانه بین کشورهای عضو به عمل آمده است که در زیر ذکر شده اند. نتیجه اولین دور مذاکرات توافق راجع به 45000 مورد امتیازات تعرفه های بود که بر 10 میلیارد دلار تجارت که حدود یک پنجم کل تجارت جهان را در بر می گرفت اثر داشت. 23 کشور شرکت کننده همچنین توافق کردند که باید برخی از قواعد تجاری مندرج در منشور (ITO) را نیز بپذیرند. آنها معتقد بودند که این کار باید به سرعت و در عین حال به صورت موقتی انجام شود تا از ارزش امتیازات مورد مذاکره حمایت شود. این در حالی است که منشور (ITO) همچنان در دستور مذاکره بود. علیرغم تلاش زیاد در مذاکرات چهار دوره آنسی، تورکوئی، ژنو و دور دیلون، کاهش اندک نرخ های تعرفه ای حاصل گردید. عمده دلایل این امر را می توان تشکیل جامعه اقتصادی اروپا (EC) و عدم تمایل اعضای آن به اعطای امتیازات تعرفه ای به کشورهای غیرعضو و نیز عدم تمایل کشور انگلستان و کشورهای مشترک المنافع به کاهش ترجیحات تجاری خود ذکر نمود. به علاوه در این ادوار شیوه مذاکره کالا به کالا نیز تقریباً به حالت اشباع رسیده بود.

در دور کندی بر خلاف چهار دور مذاکرات قبلی پیشرفت های چشمگیری حاصل گردید و مجدداً گروه وسیعی از محصولات به ویژه محصولات صنعتی مورد مذاکره قرار گرفتند که به کاهش متوسط تعرفه های صنعتی از 36 تا 39 درصد منجر گردید . عمده دلایل این امر کاهش قدرت انگلستان در ارتباط با کشورهای جامعه مشترک المنافع و استفاده از پذیرش اصل کاهش عمومی به جای شیوه مذاکره کالا به کالا بود . بر اساس این اصل به جای مذاکره در مورد تک تک کالاها هر یک گروه از کالاها مثل کالاهای صنعتی یا گروهی از کالاهای صنعتی انتخاب می گردیدند و مذاکره در مورد این گروه صورت می پذیرد و نتایج حاصل شده به تمامی کالاهای گروه گسترش می یافت . به علاوه در این دور مذاکرات به منظور کمک به کشورهای در حال توسعه آنها از رعایت در اصل دول کامله الوداد و اصل معامله متقابل معاف گردیدند . همچنین مذاکراتی در زمینه موانع غیر تعرفه ای صورت پذیرفت .

مذاکرات دور توکیو به مذاکرات چند جانبه تجاری معروف شده است . دور توکیو با حضور 102 کشور از سال 1973 تا 1979 به طول انجامید . این دور از مذاکرات به تلاش های گات برای کاهش فزاینده تعرفه ها ادامه داد . موضوعات مورد بحث در این دور علاوه بر کاهش بیشتر تعرفه های گمرکی به موانع غیر تعرفه ای و سایر اقداماتی که باعث تحریف تجارت بین الملل می گردند (از قبیل دامپینگ) نیز تسری یافت . به علاوه در این دور توجه خاصی به مسائل تجاری کشورهای در حال توسعه معطوف گردید و بر این اساس سیستم ترجیحات عمومی که در کل برای کشورها شرایط آسانتری را در نظر می گرفت به وجود آمد .

در نتیجه این دور از مذاکرات، به طور میانگین یک سوم حقوق و عوارض گمرکی در نه بازار بزرگ صنعتی پائین آمد و میانگین تعرفه محصولات صنعتی نیز 4/7 درصد کاهش یافت . کاهش تعرفه ها در یک دور هشت ساله مرحله بندی شدند . در موضوع های دیگر، دور توکیو نتایج متفاوتی داشت این دور نتوانست با مشکلات اساسی که بر تجارت محصولات کشاورزی اثر می گذاشت مقابله کند و تهیه موافقت نامه جدید در خصوص حفاظت ها (تدابیر اضطراری در مورد واردات) متوقف شد . با وجود این در زمینه موانع غیر تعرفه ای موافقت هایی شکل گرفتند که در برخی موارد مقررات گات را تفسیر می کردند و در موارد دیگر از پیدایش زمینه هایی کاملاً جدید خبر می دادند . در اکثر موارد تعداد کمی از اعضای گات (عمدتاً صنعتی ها) این ترتیبات و موافقت نامه ها را امضاء کردند از آنجا که تمام اعضای گات آنها را نپذیرفتند به صورت غیررسمی مجموعه مقررات نامیده می شوند . این موافقت نامه ها چند جانبه نبودند اما نقطه شروع به حساب می آمدند . تعدادی از این مجموعه مقررات در دور اروگوئه اصلاح شدند و به تعهدات چند جانبه تبدیل گشتند که توسط تمام اعضای سازمان تجارت جهانی پذیرفته

شد. تنها چهار موافقتنامه میان چند طرف باقی ماند که در زمینه خریدهای دولتی، گوشت گاو، هواپیمای غیرنظامی و محصولات لبنی هستند. در سال 1997 اعضاء سازمان تجارت جهانی توافق کردند که موافقتنامه هایی مربوط به گوشت گاو و محصولات لبنی را از پایان همان سال لغو کنند.

مجموعه مقررات دور توکیو را می توان به موارد زیر خلاصه نمود:

(۱) رویه های صدور و مجوز واردات

(۲) یارانه ها و تدابیر جبرانی

(۳) خریدهای دولتی

(۴) ضد دامپینگ

(۵) موانع فنی تجارت

(۶) ارزش گذاری گمرکی

(۷) ترتیبات محصولات لبنی

(۸) ترتیبات گوشت گاو

(۹) تجارت هواپیماهای غیرنظامی

هرچند گات حوزه پوشش محدود و ماهیتی موقتی داشت اما بی تردید در بهبود اطمینان بخشی به آزادسازی بیشتر تجارت جهانی موفقیت هایی را به همراه داشت. و حتی برخی بر این باورند که کاهش دائمی تعرفه ها به تنهایی به نرخ بالای رشد تجارت جهانی در دهه های 1950 و 1960 (به طور میانگین 8 درصد در سال) کمک فراوانی کرد. نیروی محرکه آزادسازی تجاری اطمینانی بود تا رشد با ثبات تجارت، رشد تولید در عصر گات را سرعت بخشد. هجوم اعضای جدید طی دور اروگوئه دلالت بر این موضوع داشت که سیستم تجارت چندجانبه یک نقطه حرکت خوب برای توسعه و ابزاری برای اصلاحات اقتصادی و تجاری است.

موفقیت گات در کاهش تعرفه ها به چنین سطح پائینی با رکود اقتصادی در دهه 70 و اوایل دهه 1980 همراه بود. این باعث شد تا دولت ها تدابیر دیگری را برای حمایت از بخش هایی که با افزایش رقابت خارجی مواجه بودند بیاندیشند. نرخ بالای بیکاری و بسته شدن مداوم کارخانه ها، دولت های اروپای غربی و آمریکای شمالی را بر آن داشت تا ترتیبات مشارکت در بازار را با رقبا در پیش گیرند و برای حفظ تجارت خود سیاست استفاده از یارا نه ها را دنبال کنند.

در ابتدای دهه 1980 تجارت جهانی مهمتر و پیچیده تر از 40 سال قبل شده بود. جهانی سازی اقتصاد در راه بود، تجارت خدمات که در مقررات گات وجود نداشت، موردعلاقه بسیاری از کشورها قرار گرفته بود و سرمایه گذاری بین المللی افزایش یافته بود. توسعه خدمات به مسائلی همچون افزایش تجارت جهانی کالاها وابسته شده بود. در سایر موارد نیز گات کمبودهایی داشت، به عنوان مثال در کشاورزی از مفرهای موجود در سیستم چندجانبه شدیداً بهره برداری می شد و تلاش برای آزاد سازی تجارت کشاورزی با موفقیت کمی روبه رو بود. در بخش منسوجات و پوشاک استثنائاتی در نظام عادی گات در دهه 1960 و اوایل دهه 1970 مورد توافق قرار گرفت و به ترتیبات الیاف چندگانه منجر گردید. علی رغم اینکه ساختار نهادی گات و سیستم حل اختلاف خود مایه نگرانی بودند. این مشکلات و سایر عوامل اعضای گات را به تلاشی جدید برای تقویت و توسعه سیستم چندجانبه فراخواند. این تلاش در دور اروگوئه با اعلامیه مراکش و تشکیل سازمان تجارت جهانی نتیجه داد.

مذاکرات دور اروگوئه طولانی ترین و جامع ترین دور مذاکرات تا به امروز بوده است که هفت سال به طول انجامید و موافقتنامه مقدماتی آن در 15 آوریل 1994 توسط اعضاء امضاء گردید. در انتهای دور اروگوئه 123 کشور شرکت داشتند و تقریباً همه مسائل تجاری را دربرمی گرفت. این دور بزرگترین مذاکره تجاری تا آن زمان بود و شاید بتوان گفت بزرگترین مذاکره در نوع خود در تاریخ است. دور اروگوئه در مواقعی به نظر می رسید که به شکست منجر می شود، اما در پایان این دور بزرگترین اصلاح سیستم تجارت جهانی بعد از جنگ جهانی دوم را به ارمغان آورد علیرغم پیشرفت های سخت دور اروگوئه مشاهده برخی نتایج دور از انتظار بود. تنها طی دو سال، شرکت کنندگان روی مجموعه ای از کاهش ها در مورد حقوق و عوارض واردات بر محصولات گرمسیری که بیشتر توسط کشورهای در حال توسعه صادر می شد موافقت کردند. آنان همچنین در مقررات حل و فصل اختلاف تجدید نظر کردند که برخی از این ضوابط بی درنگ اجرا شدند. آنان خواستار ارائه گزارشات منظم در مورد سیاست های تجاری اعضا برای شفاف ساختن رژیم های تجاری در سطح دنیا شدند که بسیار مهم بود.

تعرفه ها، موانع غیرتعرفه ای، محصولات منابع طبیعی، منسوجات و پوشاک، کشاورزی محصولات گرمسیری، مواد گات، مجموعه مقررات دور توکیو، ضد دامپینگ، یارانه ها، دارائی های فکری، اقدامات سرمایه گذاری، حل و فصل اختلاف، سیستم گات، خدمات در دستور کار دور اروگوئه بود.

بذر اولیه دور اروگوئه در نوامبر 1982 در اجلاس وزرای اعضای گات در ژنو پاشیده شد. گرچه وزراء قصد داشتند که یک مذاکره جدید و مهم راه اندازند، اما اجلاس برسر موضوع کشاورزی متوقف گردید و این یک شکست برای

گات ارزیابی شد. در حقیقت برنامه کاری که وزراء در مورد آن توقف کردند، مبنای دستور جلسه مذاکرات دور اروگوئه قرار گرفت.

با وجود این، اجماع برای قبول آغاز دور جدید توسط وزراء چهار سال به طول انجامید و در سپتامبر ۱۹۸۶ در پونتادل استه (Puntadel Este) اروگوئه گرد هم آمدند. دستور جلسه مذاکرات در واقع همه موضوعات مهم در سیاست های تجاری بود. گفتگوها در پی این بود که سیستم تجاری را به حوزه های جدید خصوصا تجارت خدمات و مالکیت معنوی توسعه دهد و تجارت در بخشهای حساس کشاورزی و منسوجات را اصلاح کند. تمام ماده های اولیه گات برای بازنگری در دستور کار قرار گرفت این بزرگترین دستور مذاکرات تجاری بود که تا آن زمان مورد قبول قرار گرفته بود و وزراء برای تکمیل آن چهار سال مهلت در نظر گرفتند. دو سال بعد، در دسامبر ۱۹۸۸، وزراء برای ارزیابی نیمی از دور اروگوئه و بررسی پیشرفت کار دوباره در مونترال کانادا گرد هم آمدند. هدف این بود که دستور جلسه را برای دوسال باقیمانده روشن کنند اما گفتگوها به بن بست انجامید و به صورت لاینحل درآمد تا اینکه مسئولین رسمی در ماه آوریل سال بعد به آرامی و بدون سر و صدا در ژنو دیدار کردند. وزراء طی اجلاس مونترال در زمینه مجموعه نتایج اولیه توافق کردند که شامل برخی امتیازات در مورد دسترسی به بازار محصولات گرمسیری به منظور کمک به کشورهای درحال توسعه و ایجاد سیستم حل و فصل اختلافات کارا و نیز مکانیسم بررسی سیاست تجاری بود که برای اولین بار سیاستها و رویه های تجاری اعضاء گات به صورت جامع و سیستماتیک بازنگری می شد. قرار بود این دور از مذاکره موقعی که در دسامبر ۱۹۹۰ وزراء بار دیگر در بروکسل با یکدیگر دیدار کردند خاتمه یابد. اما آنان در مورد چگونگی اصلاح تجارت محصولات کشاورزی به توافق نرسیدند و تصمیم گرفتند که به گفتگوها ادامه دهند. بدین ترتیب دور اروگوئه وارد سردترین دوران خود شد.

علی رغم چشم انداز ضعیف سیاسی، کار فنی به طور قابل توجهی ادامه یافت که به تنظیم اولین پیش نویس موافقتنامه نهایی منجر شد. این پیش نویس در دسامبر ۱۹۹۱ در ژنو در دستور کار قرار گرفت. این پیش نویس همانند دستورالعمل پونتادل استه بود. فقط استثناء در مورد کاهش حقوق و عوارض واردات و باز کردن بازارهای خدمات به آن اضافه شده بود.

این پیش نویس مبنایی برای موافقتنامه نهایی قرار گرفت. در طول دو سال بعد، مذاکرات با انتظارات شکست و موفقیت ادامه یافت. نکات اختلاف برانگیز جدیدی به بخش کشاورزی، خدمات، دسترسی به بازار، قواعد ضد دامپینگ و ایجاد یک نهاد جدید اضافه شد. اختلاف بیشتر بین ایالات متحده و اروپا بود.

در نوامبر 1992، ایالات متحده و اتحادیه اروپا اکثر اختلافات شان در زمینه کشاورزی را با روشی حل کردند که به طور غیر رسمی Blair House نامیده می شود. در ژوئیه ۱۹۹۳ گروه چهار Quad ایالات متحده، اتحادیه اروپا، ژاپن و کانادا اعلام کردند که در مذاکرات تعرفه ها و سایر موضوعات مرتبط (دسترسی به بازار) به پیشرفت مهمی دست یافته اند. حل نهایی موضوعات و مذاکرات برای دسترسی به بازار کالاها و خدمات تا 15 دسامبر 1993 طول کشید. در 15 آوریل 1994 تمام وزرای 123 کشور شرکت کننده در اجلاس مراکش موافقتنامه را امضاء کردند.

این تأخیر فوایدی در برداشت از جمله باعث مذاکراتی شد که پیشرفت بیشتری رانسبت به آنچه در 1990 ممکن بود حاصل کرد به ارمغان آورد. برای مثال برخی از جنبه های مربوط به خدمات و مالکیت معنوی (دارایی فکری) و همچنین تشکیل سازمان تجارت جهانی از آن جمله است. اما وظیفه بسیار بود و خستگی مذاکرات فرسایشی در بوروکراسی های تجاری دنیا احساس می شد. مشکل دستیابی به موافقتنامه کاملی که تقریباً همه موضوعات تجاری را در برگیرد باعث این نتیجه گیری شد که مذاکره ای در این مقیاس دوباره امکان پذیر نیست. با وجود این موافقتنامه های دور اروگوئه جدول زمانی برای مذاکرات جدید در مورد برخی موضوع ها داشت. در سال 1996 بعضی کشورها علناً خواستار دور جدیدی از مذاکرات در ابتدای قرن بعدی شدند. باید توجه داشت که موافقتنامه عمومی تعرفه و تجارت ابتدا دوجیز بود. یکی موافقتنامه ای بین المللی که در آن مقرراتی برای هدایت تجارت بین الملل وجود داشت و دیگر سازمانی بین المللی که بعدها ایجاد شد تا از موافقتنامه حمایت کند.

گات هم اکنون جای خود را به سازمان تجارت جهانی داده است. امروز موافقتنامه گات وجود دارد، اما مجموعه مقررات آن همان مقررات اصلی اولیه برای تجارت بین المللی نیست و به روز شده است. موقعی که گات بعد از جنگ جهانی دوم ایجاد شد بازرگانی بین المللی عمدتاً شامل تجارت کالا بود. از آن زمان به تدریج تجارت در خدمات (حمل و نقل، مسافرت، بانکداری، بیمه، ارتباطات راه دور، مشاوره و غیر آن) اهمیت بیشتری می یافت و همین طور تجارت در ایده ها (اختراعات و طراحی و کالاها و خدمات موضوع آنها) که مجموعاً دارایی فکری نامیده می شود. موافقتنامه عمومی تعرفه و تجارت اصلاح شده در موافقت نامه های جدید سازمان تجارت جهانی

وارد گشته است. سازمان تجارت جهانی سه موافقتنامه به روز شده و موافقتنامه عمومی تجارت خدمات (GATS) و موافقتنامه جنبه های تجاری حقوق مالکیت معنوی (TRIPS) را در یک سازمان گرد هم می آورد و یک مجموعه مقررات و یک سیستم واحد برای حل اختلافات در این سازمان وجود دارد. به طور خلاصه سازمان تجارت جهانی امتداد ساده ای از گات نیست بلکه بسیار بیشتر از آن است. گات به عنوان یک سازمان بین المللی دیگر وجود ندارد، ولی موافقتنامه گات هنوز زنده است. متن قدیمی گات، گات 1947 نامیده می شود و متن به روز شده آن گات 1994 نامگذاری شده است. اصول کلیدی گات شامل اصل عدم تبعیض، اصل شفافیت و اصل قابلیت پیش بینی است. در حقیقت سازمان تجارت جهانی به شکل کامل تری از درون گات بیرون آمد.

گات موقت بود، موافقتنامه عمومی هرگز در پارلمانهای اعضاء به تصویب نرسید و هیچ شرطی برای تاسیس یک سازمان را در بر نداشت. سازمان تجارت جهانی و موافقتنامه های آن دائمی هستند. سازمان تجارت جهانی به عنوان سازمان بین المللی مبنای قانونی مستحکم دارد. زیرا اعضاء موافقتنامه های سازمان تجارت جهانی را به تصویب پارلمانهای خود رسانده و خود موافقتنامه ها بر نحوه عمل سازمان تجارت جهانی ناظر و حاکم هستند. سازمان تجارت جهانی دارای اعضاء است در حالی که گات دارای طرفه ای متعاقد بود و این ویژگی گات رابه عنوان یک متن قانونی زیرسؤال می برد. گات با تجارت کالا در ارتباط بود در حالی که سازمان تجارت جهانی خدمات و دارائی های فکری را هم پوشش می دهد. سیستم حل اختلاف سازمان تجارت جهانی سریعتر و خودکارتر از سیستم قدیمی گات است و اجرای احکام آن نمی تواند متوقف شود.

مفاد موافقتنامه 38 ماده ای گات و مواد الحاقی به آن جهت عضویت کشورها در سازمان تجارت جهانی ملحوظ گردید لذا کشورهایی که داوطلب عضویت در سازمان تجارت جهانی هستند به دنبال درخواست خود باید با تشکیل سه گروه کاری در سه زمینه مشخص و مرتبط زیر به مذاکره بپردازند.

1- مذاکرات سیستماتیک یا چند جانبه

2- مذاکرات مربوط به دسترسی به بازار

3- مذاکرات مربوط به تعهدات خاص در بخش خدمات

جلب رضایت دو سوم کشورهای عضو جهت عضویت کشور متقاضی در سازمان تجارت جهانی ضروری است. به طور کلی الزامات عضویت در سازمان تجارت جهانی برای کلیه کشورها به دو دسته الزامات عمومی و خصوصی تقسیم می شود اهم الزامات عمومی عضویت عبارتند از:

- 1-عدم تبعیض و رفتار های مبتنی بر آن
 - 2-مخالفت با رویه های دامپینگ
 - 3-رویه های اعطای تخفیف و تعرفه بندی
 - 4-ارزش گذاری گمرکی
 - 5-حقوق و تشریفات وابسته به صادرات و واردات
 - 6-تدوین مقررات تجاری
 - 7-پذیرش شرط حذف کلی محدودیت های مقداری
 - 8-پذیرش موافقتنامه راجع به یارانه
 - 9-پذیرش چهارچوب مربوط به بنگاههای تجاری دولتی که این مؤسسات را به رفتاری غیرتبعیض آمیز و رعایت اصل شفافیت در تبادل اطلاعات مکلف می کند.
 - 10-توافق هایی که اتحادیه گمرکی در مرز کشورهای هم مرز و مناطق آزاد تجاری را شامل می شود.
 - 11-پذیرش موارد استثناء از مقررات عمومی گات
- الزامات خصوصی جهت عضویت در سازمان تجارت جهانی نیز برای هرکشورمتفاوت است.چارچوب نظام تجارت جهانی بر این اساس طرح گردیده که به کشورها در ارتقاء توسعه اقتصادی شان از طریق بسط تجارت کمک کند . حذف تعرفه ها و دیگر موانع تجارت درخلال مذاکرات میان اعضاء به عنوان راهکار بسط تجارت مورد پذیرش واقع شده است.
- دسترسی به بازار به مفهومی که سازمان تجارت جهانی مد نظر دارد، در مورد کالاها از طریق اقدامات مرزی همچون کاهش تعرفه ها، رفع محدودیت های مقداری و دیگر اقدامات غیرتعرفه ای مطرح می گردد .هدف مذاکرات تجاری چند جانبه آزادتر کردن دسترسی به بازارها است .در مورد کالاها، شرط لازم گات آن بوده است که تعرفه باید به عنوان تنها وسیله حمایت از صنعت داخلی مورد استفاده قرار گیرد .به علاوه، تعرفه ها باید دو ویژگی پیش بینی پذیری و ثابت در (نرخ) را داشته باشند تا دسترسی به بازار به عنوان یکی از مفاهیم و اهداف اساسی موافقتنامه عمومی تعرفه و تجارت (گات) و در حال حاضر سازمان تجارت جهانی تحقق یابد.
- دور جدید مذاکرات تجاری جهان از ابتدای فوریه سال 2002 میلادی آغاز شد . که اولین دور مذاکرات آزادسازی تجاری جهان پس از تشکیل سازمان تجارت جهانی در سال 1995 و نهمین دور مذاکرات از زمان تأسیس

موافقتنامه گات 1947 محسوب می شود. این دور ابتدا قرار بود همزمان با سومین نشست کنفرانس وزیران سازمان تجارت جهانی در سال 1999 در شهر سیاتل آمریکا آغاز شود اما به دلیل اختلاف نظر کشورهای عضو در دستور کار، نشست سیاتل در این خصوص موفق نبود و آغاز این دور که دور دوحه نامیده می شود تا زمان چهارمین نشست کنفرانس وزیران در سال 2001 در شهر دوحه قطر به تعویق افتاد. بر اساس بیانیه دوحه، این دور از مذاکرات از آخر ژانویه 2002 آغاز و تا اول سال 2005 پایان خواهد پذیرفت که اینگونه نشد.

موضوعاتی که در دور دوحه در دستور کار مذاکرات قرار دارند شامل دسترسی به بازار محصولات کشاورزی، جنبه های تجاری حقوق مالکیت فکری، سرمایه گذاری و تجارت ارتباط میان تجارت و سیاست های رقابتی، شفافیت در خریدهای دولتی، تسهیل تجاری، مقررات سازمان تجارت جهانی، تجارت و محیط زیست، ظرفیت سازی و همکاری فنی، تجارت الکترونیکی، تجارت و انتقال فن آوری، برخورد ویژه و متفاوت با کشورهای در حال توسعه، کم توسعه یافته ترین کشورها و اقتصادهای کوچک و مسائل و موضوعات مربوط به اجرای موافقتنامه های قبلی سازمان تجارت جهانی می باشد.

153 کشور تا نوامبر ۲۰۱۰ عضو سازمان تجارت جهانی بودند که تقریباً 90 درصد تجارت جهانی را به خود اختصاص داده اند. با توجه به مقررات خاص این سازمان، در برخی موارد استثناء کشورهای عضو می توانند تا 600 درصد بر کالاهایی که از کشورهای غیر عضو وارد کشورشان می شود تعرفه ببندند. به عبارت دیگر عضو نبودن در این سازمان به معنای انزوای بین المللی و ناتوانی از صادر کردن کالا به سایر کشورهاست. از آنجائیکه قوانین و مقررات سازمان جهانی بازرگانی از پشتیبانی ۱۵۳ کشور جهان برخوردار و نتیجه سالهای سال مذاکرات سخت، مداوم و جدی میان کشورهاست نمی توان آن را نادیده گرفت.

اینکه این مقررات عادلانه است یا نه جای بحث دارد. در سالهای اخیر، همزمان با نشست های متعدد این سازمان در نقاط مختلف جهان مانند سیاتل، آمریکا، ایتالیا و یونان، اعتراض های توأم با خشونت نسبت به جهانی شدن اقتصاد مشاهده می گردد. پایه و اساس این سازمان بر تفکر اقتصاددانان غرب پی ریزی شده است. کشورهایی که در آنها ابزارهای نظام سرمایه داری در بخشهای مختلف تولیدی، خدماتی، پولی و مالی، اجتماعی و فرهنگی به گونه ای هماهنگ و تنگاتنگ تدریجاً طی پنج قرن نظم گرفته و تکامل یافته است. در حقیقت این سازمان شکل توسعه یافته چنین نظامی است که در سطح بین المللی مجال فعالیت و گسترش یافته است. مشکلات متعدد اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی کشورهای در حال توسعه و تعامل آنها به نحوی که هر یک زاییده و در عین

حال متاثر از دیگری است پیچیده تر از آن می نماید که سهم قابل توجهی از بازار جهانی نصیب آنها شود. هر چند کشورهای تازه صنعتی شده در چند دهه اخیر راههایی برای صنعتی شدن و توسعه اقتصادی یافته اند و اکثریت کشورهای در حال توسعه در این مسابقه در ابتدای راهند و باید به انجام اصلاحات گوناگونی در زمینه های سیاسی، فرهنگی و اقتصادی خود بپردازند تا با علم و آگاهی و اتخاذ سیاست های مدیریتی صحیح و بلندمدت در سطح کلان، اقدام به ریشه کن کردن مشکلات نمایند.

سیاست گذارای اقتصادی، سیاسی و بازرگانی و وقوف بر مسائل و تحولات بین المللی، به روزبودن اطلاعات و درک اهمیت زمان و لحظه ها در تصمیم گیری از ویژگی های مورد نیاز بقا در دهکده جهانی عصر حاضر است. در سازمان تجارت جهانی از بدو تاسیس با توجه به شکاف رفاهی بین کشورهای در حال توسعه و صنعتی امتیازاتی برای کشورهای در حال توسعه در نظر گرفته شده است. برای نمونه در دور اروگوئه مقرر گردید از سال 1995، کشور های صنعتی پنج سال برای هماهنگ سازی مقررات خود با قوانین سازمان تجارت جهانی فرصت داشته باشند در حالی که این مهلت برای کشورهای در حال توسعه ده سال تعیین گردید. ولی آیا شکاف توسعه کشورهای صنعتی و در حال توسعه از نظر زمانی 5 سال است. برای برخی از کشورهای در حال توسعه این شکاف از یک قرن هم تجاوز می کند. از سوی دیگر باید اذعان کرد که نفوذ بین المللی کشورهای در حال توسعه در سازمان های بین المللی قابل مقایسه با نیمه اول قرن بیستم نیست. کشورهای در حال توسعه با توجه به اکثریتی که در سازمان تجارت جهانی دارند و با هماهنگی و همکاری و افزایش توان علمی، فنی و اطلاعاتی خود می توانند امتیازهای قابل توجهی در صحنه تجارت جهانی کسب کنند. همان طوریکه اشاره شد گات در طول 48 سال حیات خود چندین بار اصلاح و موافقتنامه هایی به آن اضافه شد.

قواعد و اصول اساسی گات ۱۹۹۴

بطور کلی موافقتنامه عمومی تعرفه و تجارت (گات) دارای ۳۸ ماده و تعداد زیادی ضمیمه است. همچنین جدول امتیازات و تعهدات هر کشور طبق ماده ۲ این موافقتنامه از جمله پیوست های موافقتنامه است که در برگیرنده هزاران امتیاز مربوط به کاهش تعرفه های گمرکی است که به طور متقابل توسط اعضا به یکدیگر اعطا شده است. اصول این موافقتنامه عمومی به طور کلی بر چهار رکن مهم استوار است که در واقع جوهره اصلی موافقتنامه را برای آزادسازی های تجاری فراهم می سازد. این ۴ رکن مهم عبارتند از:

۱ - حمایت از صنعت داخلی فقط از طریق تعرفه ها

۲ - ممنوعیت استفاده از محدودیت های مقداری (کمی)

۳ - تعمیم رفتار دولت کامله الوداد (MFN) به کلیه اعضا

۴ - رعایت رفتار ملی (عدم تبعیض میان کالاهای داخلی و خارجی)

مواد دیگر موافقتنامه فوق مربوط به سیاست ها و تدابیر تجاری و سایر اقدامات تجاری و تشریفات اداری و گمرکی مربوط به آن نظیر یارانه های صادراتی، عوارض ضد قیمت شکنی، عوارض جبرانی، تجارت دولتی، ارزش گذاری گمرکی، علایم مبدأ، نشرو اجرای مقررات تجاری، اتحادیه های گمرکی و مناطق آزاد تجاری، محدودیت های مربوط به حفظ تراز پرداختها و سایر موضوعات ذیربط می باشد.

اهداف تشکیل سازمان تجارت جهانی

مذاکرات مربوط به دسترسی به بازار در دور اروگوئه در مقایسه با ادوار پیشین تاحدود زیادی وضعیت را بهبود بخشید. ویژگیهای اصلی نتایج این دور را می توان به شرح ذیل خلاصه نمود:

- کاهش تعرفه هایی که کشورها متعهد به اعمال آن بر محصولات صنعتی هستند، بسیار بالاتر از مقادیری است که در دور توکیو صورت گرفت.
- با تصویب موافقتنامه راجع به منسوجات و پوشاک، کشورها توافق نمود ه اند محدودیت هایی را که طبق ترتیبات الیاف چندگانه وجود دارد، ظرف یک دوره 10 ساله یعنی تا اول ژانویه 2005 تدریجا حذف کنند.
- موافقتنامه راجع به کشاورزی چارچوبی را برای قراردادن تدریجی تجارت محصولات کشاورزی تحت نظامات گات و برای آزادسازی تجارت در این بخش ایجاد کرده است.
- کشورهای در حال توسعه و اقتصاد های در حال گذار، که فعالانه در مذاکرات شرکت نمودند، تعرفه های محصولات صنعتی و کشاورزی خود را کاهش داده اند.
- تقریبا تمامی تعرفه های کشورهای توسعه یافته، در برابر افزایش های بیشتر تثبیت شده است. در کشورهای در حال توسعه و دارای اقتصاد در حال گذار، سهم تعرفه هایی که تثبیت گردیده به طور قابل ملاحظه ای افزایش یافته است.

در مقدمه موافقتنامه عمومی تعرفه و تجارت (گات) و همچنین در موافقتنامه تاسیس سازمان تجارت جهانی اهداف گات و سازمان تجارت جهانی اعلام شده اند. اهداف گات ازقرار زیر می باشد:

1- ارتقای سطح زندگی

2- تضمین اشتغال کامل

3- حجم زیاد و افزایش دائمی درآمد واقعی و تقاضای مؤثر

4- استفاده کامل از منابع موجود جهان

5- توسعه و گسترش تولید و تجارت کالاها

در موافقتنامه تاسیس تجارت جهانی اهداف بصورت زیر کامل گردیدند.

6- توسعه و گسترش تولید تجارت کالا و خدمات

7- استفاده بهینه از منابع موجود در جهان

8- حفظ و حراست محیط زیست

9- کوشش برای افزایش سهم کشورهای در حال توسعه، مخصوصاً کشورهایی که بهره بسیار اندکی از توسعه داشته اند و شناسائی حق مشروع آنها در دستیابی به توسعه اقتصادی.

موافقتنامه عمومی تعرفه و تجارت (گات 1947) فقط ناظر بر تجارت کالا بود، سازمان تجارت جهانی در دو حوزه اصلی دیگر شامل خدمات و حقوق مالکیت فکری نیز وارد شد. در حوزه خدمات، موافقتنامه عمومی خدمات و در حوزه مالکیت فکری، موافقتنامه جنبه های تجاری حقوق مالکیت فکری از دستاوردهای مذاکرات دوراروگوئه محسوب می شوند. ضمناً کالاهایی که قبلاً از نظام تجارت آزاد بین المللی دور مانده بودند (نظیر محصولات کشاورزی، منسوجات و پوشاک) نیز تحت شمول موافقتنامه های کالایی این سازمان درآمد. هریک از موافقتنامه های عمومی از این قابلیت برخوردارند که ذیل آنها موافقتنامه های خاص تنظیم شود. سازمان تجارت جهانی با طیف وسیعی از فعالیتهای نظیر کشاورزی، منسوجات و پوشاک، بانکداری، ارتباطات راه دور، خریدهای دولتی، استانداردهای صنعتی، مقررات بهداشت مواد غذایی، دارائی های فکری و غیره ارتباط دارد، موافقتنامه های آن طولانی و پیچیده است لکن اصول بنیادین آن به صورت زیر می باشد:

(۱) اصل عدم تبعیض که خود به دو قسمت دول کامله الوداد و رفتار ملی تقسیم می شود.

شرط دولت کامله الوداد (MFN) اعطای بهترین وضعیت تجاری اعطا شده به هر عضو به دیگر اعضاست و شرط رفتار ملی بدین معنی است که پس از عبور از مرز و پرداخت حقوق و عوارض مربوطه تبعیضی بین کالا و عرضه کننده کالای خارجی با کالا و عرضه کننده کالای داخلی صورت نگیرد. ماده 1 موافقتنامه عمومی تعرفه و تجارت

1994 و ماده 2 موافقتنامه عمومی راجع به تجارت خدمات، هر دو به صراحت رفتارهای تبعیض آمیز را منع کرده اند. طبق این مواد کالا و خدمات وارداتی به کشورهای عضو باید مشمول مقرراتی مشابه و یکسان با همه اعضا که همان شرط دول کامله الوداد می باشد است.

طبق ماده 3 موافقتنامه عمومی تعرفه و تجارت رفتار تبعیض آمیز نسبت به کالاهای وارداتی در مقابل کالاهای داخلی ممنوع است. طبق این ماده کشورهای عضو از اتخاذ آن دسته از سیاست های داخلی که به اعطای امتیازات و مساعدت ها نسبت به کالاهای مشابه وارداتی منجر شود منع شده اند. مثلاً نمی توانند بر تولیدات داخلی مشابه کالاهای وارداتی مالیات کمتری وضع نمایند.

(2) اصل آزادسازی تجارت

طبق ماده 11 گات 1994 هیچ یک از اعضا حق ندارند جز تعرفه های گمرکی و مالیات ها، محدودیت های دیگری را در واردات و یا صادرات کالاها به وجود آورند. این محدودیت ها شامل کلیه محدودیت ها از قبیل سهمیه بندی واردات و صادرات و الزام به اخذ مجوز و سیاست های نرخ ارز و غیره می گردد. اصل آزاد سازی تجاری از طریق رفع تدریجی موانع غیر تعرفه ای و تبدیل آن به تعرفه ها، تثبیت سقف تعرفه ها و تعهد به کاهش تدریجی سطح تعرفه ها صورت می گیرد.

(3) اصل کاهش تعرفه های گمرکی

هر کشور عضو سازمان تجارت جهانی می شود علاوه بر الحاق به موافقتنامه های چند جانبه سازمان وارد مذاکرات دو یا چند جانبه با دیگر اعضا می گردد و تعرفه های خود را کاهش می دهد. حداکثر میزان تعرفه در جدول تعرفه های کشور وارد می شود و حق ندارد بیش از آن تعرفه ای اخذ نماید. کشورها متعهد می گردند به تدریج تعرفه ها را کاهش دهند. این اصل در طول پنجاه سال عمر گات و سازمان تجارت جهانی به نتایج مطلوبی رسیده و سطح تعرفه های گمرکی بتدریج کاهش یافته اند.

(4) اصل شفافیت بخشیدن به مقررات تجاری

طبق ماده 10 موافقتنامه عمومی تعرفه و تجارت 1994 کلیه قوانین و مقررات و تصمیمات قضایی و دستورالعمل های اداری که به وسیله هر یک از کشورها برقرار شده است و به نحوی در فروش، توزیع و حمل و نقل و بیمه و انبارداری و مونتاژ کالا ها تاثیر داشته باشد باید شفاف شود. در مقررات ماده 3 موافقتنامه عمومی این امر راجع به تجارت خدمات نیز الزامی شده است.

5) اصل تجارت عادلانه یا منصفانه

این اصل برای ایجاد زمینه ای برای رقابت کارآ با حذف موانع مختل کننده تجارت همچون یارانه های غیر مجاز، فروش زیر قیمت کالا و موارد آسیب زننده به تولید و تجارت کشورهاست. ارائه راه حل ها در مقابل تجارت غیر عادلانه نیز از طریق ابزارهای دفاعی همچون وضع عوارض جبرانی یا اقدام ضد قیمت شکنی (ضددامپینگ) یا اعمال حفاظت ها صورت می گیرد.

6) اصل حفظ رفتار ویژه با کشورهایی که کمترین درجه توسعه یافتگی را دارند.

این اصل برای همیاری با کشورهای در حال توسعه در تحمیل تغییرات کمتر و انجام اصلاحات در مدتی طولانی تر، و به صورتی یک طرفه مطرح شده است.

7) اعمال برخی استثنائات در تعهدات قبول شده برای حفظ نظم عمومی، اخلاق و بهداشت حیوان، انسان و ...

مزایای عضویت در سازمان تجارت جهانی

مزایای عضویت در سازمان تجارت جهانی را می توان در موارد عمومی زیر دانست:

- هر عضو سازمان تجارت جهانی به راحتی می تواند وارد بازار کشوری شود که رسماً عضو این سازمان است.
- هر نوع محدودیتی که مثلاً برای واردات کالاهایی در یک کشور در نظر گرفته شود، همان محدودیت برای کشور صادرکننده دیگر نیز خود به خود منظور می گردد.
- دسترسی مداوم به بازارهای عضو سازمان تجارت جهانی با عوارض گمرکی مطمئن و تثبیت شده.
- تسهیلات تجاری با کشورهای عضو بدون اینکه با تک تک آنها قرارداد دوجانبه منعقد شود، فراهم می گردد.

یکی از وظایف سازمان تجارت جهانی بررسی متناوب سیاست تجاری کشورهای عضو می باشد و در این ارتباط گزارش های منظمی از این بررسی ها منتشر می کند از این جهت شفاف بودن سیاست ها و مقررات از اهمیت بسیاری برخوردار است. در چارچوب سازمان تجارت جهانی این کار از دو طریق صورت می پذیرد:

- با الزام دولتها به مطلع ساختن سازمان و کشورهای عضو از سیاست ها و قوانین خود.
- انجام بررسی های منظم درباره تک تک کشورهای عضو و سیاست های تجاری آنها.

اگرچه بررسی سیاست تجاری کشورهای عضو بخشی از الزامات توافق های دوراروگوئه است، اما انجام این بررسی ها عملاً پیش از اتمام مذاکرات این دور آغاز گردیده بود. کشورهای حاضر در دور اروگوئه در جلسه وزیران در دسامبر سال 1988 با آغاز این بررسی ها موافقت کردند و متعاقب آن، در سال بعد اولین بررسی از این نوع انجام گردید، اما به دلیل آنکه در آن هنگام این بررسی تحت قواعد گات صورت می پذیرفت از این رو صرفاً تجارت کالاها را پوشش می داد ولی سپس حوزه بررسی نیز گسترش یافت و تجارت خدمات و حقوق مالکیت فکری را نیز در بر گرفت.

اهداف زیر در پس بررسی سیاست تجاری مد نظر سازمان تجارت جهانی است:

- افزایش شفافیت و شناخت سیاست تجاری و رویه های کشورهای از طریق نظارت پیوسته .
 - بالا بردن کیفیت مباحثات و بررسی های عمومی و بین دولتی درباره موضوعات مربوطه .
 - امکان پذیر ساختن بررسی ها و ارزیابی تأثیرات سیاست ها بر نظام تجاری جهان .
- سیاست تجاری همه کشورهای عضو باید طی یک دوره زمانی خاص مورد ملاحظه و بررسی قرار گرفته باشند .
- تناوب بررسی ها بستگی به اندازه اقتصاد کشورهای عضو دارد که تقریباً به صورت زیر است:
- چهار اعضای که بیشترین حجم تجارت را به خود اختصاص می دهند ، یعنی اتحادیه اروپا، ایالات متحده، ژاپن و کانادا، تقریباً هر دو سال یک بار مورد بررسی قرار می گیرند. شانزده کشور دیگر (برحسب سهم شان در تجارت جهانی) هر چهار سال یک بار بررسی می گردند. مابقی کشورها نیز هر شش سال یک بار، البته با این احتمال که برای کم توسعه یافته ترین کشورها تناوب بررسی ها شاید از مرز شش سال نیز بگذرد. در هر بررسی، دو سند تهیه می گردد : یک گزارش توسط کشور تحت بررسی و به جهت اعلام سیاست ها و گزارش دیگر بطور مستقل توسط دبیرخانه سازمان تجارت جهانی. سازمان تجارت جهانی با ایجاد نظام چند جانبه حل و فصل اختلافات که برخی ضعف های قبلی گات را برطرف می کند، یکی از دستاوردهای مذاکرات دور اروگوئه به شمار می آید .
- تفاهمنامه حل و فصل اختلافات نظامی مبتنی بر قواعد شفاف و ضرب الاجل های مشخص می باشد . حوزه شمول این تفاهم نامه بسیار گسترده و متنوع است و تقریباً کلیه موافقتنامه های سازمان تجارت جهانی را شامل می شود .
- متولی اجرای قواعد و مقررات تفاهمنامه، رکن حل اختلاف است که اعضای آن همان اعضای شورای عمومی سازمان می باشند.

معمولاً اختلاف زمانی بروز می کند که عضوی معتقد باشد عضو دیگر قواعد یکی از موافقتنامه ها یا تعهداتش را نقض کرده است. با توجه به اینکه هدف مکانیسم حل اختلاف تضمین راه حلی مثبت برای اختلافات است، در تفاهمنامه مقرر شده طرفین قبل از مطرح کردن قضیه نزد رکن حل اختلاف باید در این خصوص با یکدیگر مشورت کنند. به علاوه طرفین می توانند به منظور دستیابی به راه حل مرضی الطرفین، از دبیرکل درخواست مساعدی جمیله نمایند. در صورت شکست تلاش ها برای حل اختلاف از طریق مشورت، شاکی می تواند از رکن حل اختلاف درخواست تشکیل هیأت رسیدگی نماید. هیأت رسیدگی ظرف مهلت مقرر به قضیه رسیدگی و به رکن اعلام می نماید. رکن گزارش را تصویب خواهد کرد مگر اینکه اجماع برخلاف آن باشد یا تقاضای استیناف شود. استیناف محدود به موضوعات حقوقی مطرح شده در گزارش هیأت رسیدگی می باشد. رکن دائمی استیناف نیز ظرف مهلت خاصی گزارش خود را به رکن حل اختلاف تقدیم می کند. برای حل و فصل مؤثر اختلافات، فاصله زمانی تشکیل هیأت رسیدگی تا صدور رأی نهایی در صورت عدم استیناف نباید از 9 ماه و با استیناف از 12 ماه تجاوز کند.

هنگامی که مشخص شد اقدامات یک عضو با مقررات موافقتنامه ها مغایرت دارد، ابتدا رکن حل اختلاف از عضو مذکور می خواهد که از اقدامات مزبور دست بردارد و در صورتی که عملی نباشد، جبران به عنوان اقدامی موقتی تا زمان توقف اقدامات خاطی اعمال می شود. آخرین تدبیری که تفاهمنامه در اختیار عضوی که به رویه های حل اختلاف متوسل شده قرار می دهد، امکان تعلیق اجرای امتیازات یا سایر تعهدات مندرج در موافقتنامه های تحت پوشش بر مبنای تبعیضی در مقابل عضو دیگر است به شرط اینکه رکن حل اختلاف اجازه چنین اقداماتی را بدهد. به علاوه رکن حل اختلاف بر اجرای توصیه ها و احکام مصوب، نظارت خواهد داشت.

اهداف سازمان تجارت جهانی

اهدافی که سازمان تجارت جهانی برای خود تعریف کرده است بدین شرح می باشد:

- ارتقای سطح زندگی
- تامین اشتغال کامل در کشورهای عضو
- توسعه تولید و تجارت و بهره وری بهینه از منابع جهانی
- دستیابی به توسعه پایدار با بهره برداری بهینه از منابع
- حفظ محیط زیست

• افزایش سهم کشورهای در حال توسعه و کمتر توسعه یافته از رشد تجارت بین‌المللی

اصول سازمان تجارت جهانی

این سازمان همچنین برای دستیابی به اهداف تعیین شده، اصولی را تدوین کرده است که کشورهای عضو می‌بایست به این اصول پایبند باشند و در صورت پایبند نبودن، مجازات‌هایی علیه این کشورها اعمال می‌شود. مهم‌ترین این اصول عبارت‌اند از:

۱. اصل عدم تبعیض و اصل دولت کامله الوداد (MOST FAVORED NATION (MFN) CLAUSE):

طبق این اصل، اگر کشوری امتیاز بازرگانی یا تعرفه‌ای را در مورد یکی از کشورهای عضو اعمال نماید، این امتیاز یا تعرفه می‌بایست در مورد تمام شرکای تجاری عضو سازمان تجارت جهانی تعمیم یابد. البته این اصل یک استثنا نیز دارد که به همگرایی‌های اقتصادی مانند اتحادیه‌های گمرکی بین چند کشور مربوط می‌شود. این استثنا بدین معناست که سازمان تجارت جهانی، سایر پیمان‌های تجاری (مانند اتحادیه اروپا یا نفتا) را نیز به رسمیت می‌شناسد.

۲. استفاده از محدودیت‌های غیرتعرفه‌ای در تجارت همچون سهمیه‌بندی و صدور پروانه واردات ممنوع است و کشورها تنها با استفاده از وضع تعرفه‌های گمرکی مجازند از صنایع داخلی حمایت نمایند.

۳. پس از حذف موانع تجاری غیرتعرفه‌ای، کشورها می‌بایست تعرفه‌های گمرکی خود را تثبیت نمایند و به تدریج آن را کاهش دهند. البته این اصل نیز در مورد محصولات کشاورزی در کشورهایی که با مشکلات در پرداخت‌ها مواجه هستند، استثنا قایل شده است.

۴. برای کمک به رقابت محصولات تولیدی در کشورهای در حال توسعه، برقراری نظام تعرفه‌های ترجیحی با هدف اعطای امتیازات تجاری به بعضی از فرآورده‌های این کشورها مجاز است.

۵. کشورها مجاز به انجام هرگونه اقدامی که جنبه فروش زیرقیمت تمام شده (DUMPING) داشته باشد، نیستند.

۶. لازم است کشورها در مورد کالاهای داخلی و وارداتی رفتار کاملاً یکسانی داشته باشند.

۷. انجام مشورت در مورد سیاست‌های بازرگانی با دیگر اعضا و حل و فصل اختلافات ناشی از روابط تجاری از طریق مذاکره.

ارکان سازمان تجارت جهانی

سازمان تجارت جهانی برای دستیابی به موافقتنامه‌های مورد تایید اعضا و نیز نظارت بر حسن انجام آنها از وجود ارکان مختلف تصمیم‌گیری، نظارتی، اجرایی و حقوقی بهره می‌برد. این ارکان عبارت‌اند از: کنفرانس وزیران، شورای عمومی، رکن حل اختلاف، رکن بررسی خط مشی تجاری و شوراها.

• کنفرانس وزیران

کنفرانس وزیران بالاترین رکن سازمان تجارت جهانی است و نمایندگان همه اعضا را دربر می‌گیرد. اختیارات کنفرانس وزیران عبارت است از: محقق ساختن کارکردهای سازمان، اتخاذ اقدامات لازم در این راستا و تصمیم‌گیری در زمینه توافقنامه‌های تجارت چندجانبه در صورت درخواست هریک از اعضا.

جلسات کنفرانس وزیران حداقل هر دو سال یک بار تشکیل می‌شود. کنفرانس وزیران سازمان تجارت جهانی برای اولین بار در دسامبر سال ۱۹۹۶ در سنگاپور تشکیل شد. این کنفرانس همچنین در سال‌های ۱۹۹۸ در ژنو، ۱۹۹۹ در سیاتل آمریکا، ۲۰۰۱ در دوحه قطر، ۲۰۰۳ در کنکان مکزیک و ۲۰۰۵ در هنگ‌کنگ برگزار شد.

• کنفرانس اول وزرا

نوشتار اصلی: کنفرانس وزرای WTO در سال ۱۹۹۶

کنفرانس افتتاحیه وزرا در سال ۱۹۹۵ در سنگاپور برگزار گردید. عدم توافق اقتصادهای کاملاً پیشرفته و در حال توسعه در این کنفرانس بر سر مسایل مطروحه عیان شد و به آنها عنوان "مسایل سنگاپور" را بخشید.

• کنفرانس دوم وزرا

نوشتار اصلی: کنفرانس وزرای WTO در سال ۱۹۹۸

این کنفرانس در سوئیس برگزار شد.

• کنفرانس سوم وزرا

نوشتار اصلی: کنفرانس وزرای WTO در سال ۱۹۹۹

این کنفرانس در سیاتل واشنگتن برگزار شد و به شکست انجامید تظاهرات گسترده و تلاش پلیس و گارد ملی برای کنترل جمعیت معترض توجه جهانیان را به خود جلب نمود.

• کنفرانس چهارم وزرا

نوشتار اصلی: کنفرانس وزرای WTO در سال ۲۰۰۱

این کنفرانس در دوحه برگزار شد.

• کنفرانس پنجم وزرا

نوشتار اصلی: کنفرانس وزرای WTO در سال ۲۰۰۳

این کنفرانس در کنکون مکزیکو و با هدف توافق برسر گفتگوهای دور دوحه انجام گرفت. ائتلاف کشور جنوب جی ۲۰ (به رهبری هند، چین و برزیل) با تقاضای شمالی ها مبنی بر پذیرش به اصطلاح «مسایل سنگاپور» مخالفت کردند و خواستار پایان پرداخت یارانه کشاورزی در اتحادیه اروپایی و ایالات متحده شدند. مذاکرات بی هیچ نتیجه‌ای متوقف شد.

• کنفرانس ششم وزرا

نوشتار اصلی: کنفرانس وزرای WTO در سال ۲۰۰۵

کنفرانس مذکور در هنگ کنگ و از ۱۳ دسامبر تا ۱۸ دسامبر سال ۲۰۰۵ برگزار گردید. اگر قرار بود مذاکرات دوحه پس از چهار سال پیشرفتی داشته باشد این کنفرانس بسیار جالبی بود این روند می‌شد به نتیجه گیری از دور جدید مذاکرات در سال ۲۰۰۶ منتهی شود. در این کنفرانس کشورها تصمیم گرفتند تا پایان سال ۲۰۱۳ هر گونه یارانه برای صادرات محصولات کشاورزی خود را قطع کنند و تا پایان سال ۲۰۰۶ نیز پرداخت یارانه برای صادرات پنبه را متوقف سازند. به علاوه بحث کشورهای در حال توسعه این بود که باید به کالاهای بدون تعرفه و آزاد از کشورهای دارای کمترین سطح توسعه هم دسترسی داشته باشند. همه کالاها به جز تسلیحات نظامی از سوی اتحادیه اروپایی تا سقف ۳ درصد از خطوط تعرفه‌ای معاف شدند. سایر مسایل مهم نیز به مذاکرات بیشتر و کامل شدن در پایان سال ۲۰۰۶ موکول شدند.

• شورای عمومی

شورای عمومی، عالی‌ترین رکن تصمیم‌گیری بعد از کنفرانس وزیران در سازمان تجارت جهانی است که درباره موضوعات روزمره و کارکردهای این سازمان نظر می‌دهد. مقر این شورا در ژنو قرار دارد و معمولاً هر دو ماه یک بار

تشکیل جلسه می‌دهد. شرکت‌کنندگان در جلسات شورای عمومی را نمایندگان همه اعضا (معمولاً سفرا یا معادل آنها) تشکیل می‌دهند. شورای عمومی مستقیماً به کنفرانس وزیران گزارش می‌دهد.

• رکن حل اختلاف

ممکن است یک دولت عضو سازمان مدعی شود که عضو دیگری معاهده یا تعهدی را برخلاف مصالح وی نقض نموده است. در چنین شرایطی، شورای عمومی به عنوان رکن حل اختلاف تشکیل جلسه می‌دهد.

• رکن بررسی خط مشی تجاری

شورای عمومی، همچنین می‌تواند به عنوان رکن بررسی خط مشی تجاری تشکیل جلسه دهد. این رکن ریاست، قوانین و رویه خاص خود را دارد و به تجدیدنظر در سیاست‌های تجاری اعضا برای آماده کردن آن در مکانیزم بازنگری در سیاست تجاری می‌پردازد. در ابتدای هر سال ریاست و دو معاونت این رکن از بین اعضا برای یک سال انتخاب می‌گردند.

• شوراها

شوراها برای اجرای وظایف سازمان تجارت جهانی و عموماً زیر نظر شورای عمومی تشکیل می‌شوند. این شوراها به صورت تخصصی وظیفه بررسی و تدوین موافقتنامه‌های عمومی را بر عهده دارند. این شوراها عبارت‌اند از:

۱. شورای تجارت کالا: شورای تجارت کالا وظیفه بررسی و نظارت بر موافقتنامه‌های چندجانبه مربوط به تجارت کالا را بر عهده دارد. سیزده موافقتنامه در زمینه تجارت کالا به امضای اعضای سازمان تجارت جهانی رسیده است که مهم‌ترین آنها، موافقتنامه عمومی تعرفه و تجارت و توافقات مربوط به آن می‌باشد. این شورا ۱۰ کمیته دارد که هر کدام در زمینه خاصی فعالیت می‌کند (مانند کشاورزی، دستیابی به بازار، یارانه‌ها، اقدامات ضد فروش زیر قیمت تمام شده و غیره).

۲. شورای تجارت خدمات: بررسی و نظارت بر موافقتنامه عمومی تجارت خدمات بر عهده شورای تجارت خدمات است. شرکت در این شورا برای تمام اعضای سازمان تجارت جهانی آزاد است. کمیته خدمات مالی، کمیته تعهدات مشخص و گروه‌های کاری آیین نامه‌های داخلی و قواعد موافقتنامه عمومی تجارت خدمات، جزء ارکان متمم حاضر در این شورا است.

۳. شورای جنبه‌های مرتبط با تجارت حقوق مالکیت فکری: حقوق مالکیت معنوی، حقوقی است که افراد به واسطه خلق اندیشه‌ها و ایده‌ها از آن برخوردارند. این شورا وظیفه بررسی و نظارت بر کارکردهای موافقتنامه‌های مربوط به مالکیت معنوی را برعهده دارد.

۴. کمیته‌ها و سایر بدنه‌های متمم: سه کمیته اصلی در سازمان تجارت جهانی وجود دارد:

- کمیته تجارت و توسعه
 - کمیته محدودیت‌های تراز پرداخت‌ها
 - کمیته بودجه، مالی و تشکیلاتی
- وظایف این کمیته‌ها بر مبنای موافقتنامه‌های تجاری چندجانبه و مصوبات شورای عمومی تعریف می‌شود. عضویت در این کمیته‌ها برای تمامی اعضای سازمان تجارت جهانی آزاد است.
- همچنین کمیته‌های تجارت و محیط زیست و موافقتنامه‌های منطقه‌ای تجاری نیز زیر نظر شورای عمومی فعالیت می‌کنند.

ساختار سازمان تجارت جهانی

هر چند گات 1947 صرفاً یک معاهده چند جانبه بود و بنا بود که تحت کنترل و نظارت سازمان بین‌المللی تجارت (ITO) اجرا شود، ولی به علت عدم تشکیل این سازمان، گات از تشکیلات ضعیفی منحصر به دبیرخانه برخوردار بود. یکی از توفیقات مهم مذاکرات دوراروگوئه، ایجاد یک سازمان تجاری جهانی منسجم و دائمی به جای دبیرخانه گات است.

سازمان تجارت جهانی از سه نظر دارای تشکیلات منسجم تر و مناسب تر است:

الف - ایجاد یک رکن دائمی برای بررسی خط مشی های تجاری رکن بررسی خط مشی های تجاری وظیفه دارد تا به طور مستمر سیاست ها و تدابیر اتخاذ شده به وسیله اعضا در مورد تجارت کالا و خدمات را بررسی نماید. این رکن موظف است تا هر چهار سال یک بار (نسبت به کشورهای عمده تجاری هر دو سال یک بار) سیاست ها و تدابیر تجاری اعضا را مورد بررسی قرار داده، گزارشی در این رابطه تهیه کند. این گزارش همراه با توضیحات دولت متبوع آن کشور منتشر شده و در معرض دیگر کشورها قرار می گیرد.

هرگونه عکس العمل کشورها عمدتاً بر اساس چنین گزارش هایی استوار است. هدف از مقررات مربوط به مکانیسم بررسی خط مشی های تجاری تضمین وفاداری اعضا به مقررات سازمان و نظارت بر انجام تعهدات تقبل شده آنها

می باشد. این بررسی ها موجب خواهد شد تا مقررات و سیاست های تجاری کشورها شفاف شده و درک صحیح و بی طرفانه ای از سیاست ها و تدابیر اتخاذ شده اعضا به دست آید.

ب - ایجاد یک رکن دائمی برای حل و فصل دعاوی براساس مقررات سازمان تجارت جهانی اعضا نباید به اتخاذ تصمیمات یک طرفه علیه یکدیگر اقدام کنند. آنها موظفند تا دعاوی خود را از طریق رکن حل و فصل دعاوی سازمان تجارت جهانی و طبق مقررات سازمان، حل و فصل کنند. چنانچه طرفین یا طرفهای دعوا توافق کنند، موضوع مورد اختلاف بر اساس میانجی گری، سازش و یا از طریق مساعی جمیله حل و فصل خواهد شد. در صورت عدم توافق و یا شکست میانجی گری یا سازش، کشور شاکی ممکن است حل و فصل دعوا را طبق مقررات حقوقی درخواست کند. حل و فصل اختلافات براساس تفاهمنامه حل و فصل دعاوی انجام خواهد گرفت و رکن حل و فصل دعاوی وظیفه اداری آن را به عهده خواهد داشت.

ج - ایجاد یک رویه منظم برای نشست وزیران کشورهای عضو طبق مقررات سازمان تجارت جهانی، رویه منظمی برای نشست وزیران کشورهای عضو پیش بینی شده است. طبق ماده 4 موافقتنامه تاسیس سازمان تجارت جهانی، کنفرانس وزیران حداقل هر دو سال یکبار تشکیل خواهد شد که اولین آنها در اواخر سال 1996 در سنگاپور بود. مقصود از این مقررات، ایجاد نشست هایی منظم و در سطح عالی برای بحث پیرامون مشکلات موجود، توسعه و بهبود سیستم تجاری بین المللی و تهیه پیش نویس های لازم برای مذاکرات چند جانبه آتی می باشد. امید می رود با برقراری این رویه منظم، مشکلات قبلی گات در جمع کردن نمایندگان عالی کشورها برای انجام مذاکرات تکرار نشود.

در تشکیلات و مراجع تصمیم گیری سازمان تجارت جهانی، کنفرانس وزیران عالی ترین رکن سازمان است که متشکل از نمایندگان همه کشورهای عضو بوده و باید حداقل هر دو سال یکبار تشکیل جلسه دهد. کنفرانس وزیران صلاحیت دارد تا طبق موافقتنامه های چند جانبه سازمان هر تصمیمی را اتخاذ کند.

امور روزانه سازمان تجارت جهانی به عهده شورای عمومی است که تحت کنترل و نظارت کنفرانس وزیران بوده و متشکل از کلیه اعضا می باشد. شورای عمومی تقریباً هر 2 ماه یکبار تشکیل شده و وظیفه دارد تا وظایف کنفرانس وزیران را در غیاب آن انجام داده و به کنفرانس وزیران گزارش دهد. شورای عمومی دارای سه شورای فرعی به نام شورای تجارت کالا، شورای تجارت خدمات و شورای مرتبط به جنبه های تجاری مالکیت معنوی است.

شورای عمومی قابلیت دارد تا در موارد مقتضی به رکن حل و فصل دعاوی و یا رکن بررسی خط مشی های تجاری تبدیل شود. به عبارت دیگر، شورای عمومی در موارد لازم در رکن حل و فصل دعاوی و یا رکن بررسی سیاست ها و تدابیر تجاری تشکیل می شود. دبیرخانه سازمان تجارت جهانی در ژنو واقع است. در راس دبیرخانه دبیرکل قرار دارد که توسط کنفرانس وزیران انتخاب می گردد.

هر عضوی در کشور خود اداره ای دارد که از تعدادی مشاور، نمایندگان بخش خصوصی، سازمان های تجاری، اتحادیه های کشاورزان و دیگر گروه های صنعتی و تولیدی تشکیل می شود. اکثر کشورها در ژنو دارای یک مرکز دائمی هستند که تحت ریاست سفیر یا وزیر ویژه آن کشور نزد سازمان تجارت جهانی فعالیت می کنند. البته در موارد خاص، یک کشور ممکن است نمایندگان ویژه ای برای مقاصد خاصی اعزام کند. کشورهایی که عضو یک اتحادیه تجاری - اقتصادی هستند سعی می کنند فعالیت های خود را نزد سازمان تجارت جهانی هماهنگ کرده و نقطه نظرهای واحدی را اتخاذ نمایند. این هماهنگی تا اندازه زیادی به همبستگی کشورهای عضو آن اتحادیه و وحدت اقتصادی آن ها وابسته است. به عنوان نمونه، کشورهای اروپایی عضو اتحادیه اروپا در مقایسه با کشورهای عضو آسان دارای نقطه نظرهای به مراتب هماهنگ تر و یکسان تری هستند. در شیوه تصمیم گیری، سازمان تجارت جهانی در واقع ادامه دهنده رویه گات است که تصمیمات باید بر اساس توافق جمعی و نه بر اساس رای گیری به عمل آید. این رویه باعث خواهد شد تا منافع تک تک کشورها مورد توجه قرار گیرد و اکثریت نتوانند نظریات خود را به دیگران تحمیل کنند. زمانی که اعضا به یک توافق جمعی دست پیدا نمی کنند، موافقتنامه تأسیس سازمان تجارت جهانی در چهار مورد اجازه می دهد تا رای گیری شود. این رای گیری بر اساس یک کشور، یک رای استوار است. اکثریت های متفاوتی برای تصمیم گیری های گوناگون پیش بینی شده است. تفسیر هر کدام از موافقتنامه های چند جانبه سازمان تجارت جهانی نیاز به اکثریت سه چهارم آرا دارد. همین اکثریت لازم است تا کنفرانس وزیران بتواند تعهداتی را که یکی از موافقت نامه های چند جانبه بر عهده یک عضو قرار داده، از عهده اوبردارد. در مورد تعدیل موافقت نامه های چند جانبه بر حسب مورد ممکن است همه اعضا و یا اکثریت دو سوم نیاز باشد. در هر حال، تغییرات به عمل آمده فقط نسبت به کسانی که آن را پذیرفته اند لازم الاجرا خواهد بود.

نقش و جایگاه سازمان جهانی تجارت در اقتصاد بین الملل

سازمان جهانی تجارت یکی از مهم‌ترین سازمان‌های تأثیرگذار در سطح بین‌المللی به شمار می‌رود. این سازمان به عنوان مسئول تدوین رژیم و قواعد تجاری در سطح جهان از اول ژانویه ۱۹۹۵ و به عنوان جانشین گات ایجاد و تا سال ۲۰۱۰ میلادی ۱۵۳ کشور (یا قلمروی مستقل گمرکی) در آن عضویت داشته‌اند و ۲۹ کشور دیگر نیز در حال انجام مذاکرات الحاق برای ورود به آن می‌باشند.

امروزه قواعد، مقررات و موافقت‌نامه‌های این سازمان که بر تجارت جهانی کالا، خدمات و حقوق مالکیت فکری حاکم گردیده است، به قانون اساسی تجاری دنیا تبدیل شده و تمامی کشورهایی که خواهان تعامل با اقتصاد جهانی و بهره‌گیری از امکانات اقتصاد بین‌الملل در فرآیند توسعه اقتصادی و صنعتی خود هستند، الزاماً باید از این مقررات تبعیت کرده و قوانین و مقررات اقتصادی و تجاری خود را با موافقت‌نامه‌های این سازمان سازگار نمایند. موافقت‌نامه‌های سازمان جهانی تجارت در برگیرنده اسناد حقوقی مجزایی است که موضوعات متعددی از کشاورزی گرفته تا منسوجات، تجارت خدمات، خریدهای دولتی، قواعد مبدأ، صدور مجوزهای ورود، ارزش گذاری گمرکی، یارانه‌ها، موانع فنی تجارت، سرمایه‌گذاری، مالکیت فکری و غیره را در بر می‌گیرد. موضوعات و حوزه‌های جدیدی شامل شفافیت در خریدهای دولتی و تسهیل تجاری نیز در دستور کار مذاکرات دور جدید (دور دوحه) قرار دارند که با توافق در حوزه‌های فوق، حیطه قواعد و مقررات سازمان جهانی تجارت بازهم تسری بیشتری پیدا خواهد کرد.

این سازمان به خودی خود اقتداری ندارد، بلکه این اعضا هستند که سازمان را اداره می‌کنند، برای پذیرش اعضای جدید نیز تصمیم‌گیری می‌کنند و طی برگزاری ادوار مذاکراتی، ضمن تدوین قواعد و موافقت‌نامه‌های جدید، تلاش می‌کنند تا دسترسی بیشتری به بازار کالا و خدمات یکدیگر بیابند. عضویت در هیچ سازمان بین‌المللی به صعوبت و پیچیدگی سازمان جهانی تجارت نیست. کشوری که به عضویت این سازمان در می‌آید به بازار مطمئن و پایدار ۱۵۰ کشور دسترسی آزادانه خواهد داشت و لذا اعضا زمانی حاضرند بازار خود را در اختیار عضو جدید قرار دهند که متناسباً از آن کشور امتیازات لازم را بگیرند.

رفتارهای تبعیض آمیز با کشورهای غیر عضو

توفیق سازمانی جهانی تجارت در جذب کشورهای جهان ریشه در این واقعیت انکارناپذیر دارد که قواعد و نظامات مورد توافق در این سازمان عملاً به قواعد بین‌الملل در عرصه تجارت جهانی بدل می‌شوند و کشورهای عضو و

غیرعضو را تحت تاثیر قرار می‌دهند. بنابراین کشورهای غیر عضو عملاً در معرض پی‌آمد تصمیم‌های سازمان جهانی تجارت قرار دارند اما از منافع آن برخوردار نمی‌شوند بلکه در معرض رفتارهای تبعیضی قرار می‌گیرند و عرصه را برای فعالیت‌های اقتصادی و تجاری خود تنگ می‌بینند و بر مبنای آن (در کنار سایر دلایل) ترجیح می‌دهند به این سازمان بپیوندند و از منافع آن هم برخوردار شوند.

بنابراین کشورهای غیر عضو در مواقعی که بعنوان هدف فعالین اقتصادی دنیا در سرمایه‌گذاری، تجارت، ارایه خدمات و در واگذاری حقوق مالکیت فکری و نظایر آن قرار می‌گیرند، در مقایسه با کشورهای عضو سازمان جهانی تجارت بدلیل مواجهه با عدم اطمینان‌ها و عدم یکسانی مقررات و نظایر آن، از جذابیت کمتری برخوردارند و همین امر باعث تحمیل هزینه‌هایی به اقتصاد کشورهای غیر عضو می‌شود.

از طرف دیگر فعالین اقتصادی کشورهای غیر عضو (نظیر ایران) اعم از تولیدکنندگان واحدهای صنعتی، تجار، واحدهای سرمایه‌پذیر و سرمایه‌گذار، واردکنندگان دانش فنی و ... در بازارهای خارجی هدف اقدامات تبعیض آمیز قرار می‌گیرند و از تلاش و همت خود (در مقایسه با شرایط مشابه برای فعالین اقتصادی کشورهای عضو سازمان جهانی تجارت) بهره کمتری می‌برند و با تنگناهای بیشتری مواجه می‌شوند. مثال بارز این امر در حوزه تجارت کالایی، مواجه شدن با نرخهای حقوق گمرکی بالاتری در بازارهای کشورهای عضو سازمان جهانی تجارت می‌باشد. هم اکنون تعدادی از کشورهای عضو سازمان جهانی تجارت در نظام تعرفه‌ای خود از دو نوع نرخ حقوق گمرکی استفاده می‌کنند که یکی مختص کشورهای عضو سازمان جهانی تجارت است و دیگری مربوط به غیر اعضا می‌باشد که معمولاً بیشتر از نرخ قبلی است. همین امر باعث می‌شود که صادرات کالاهای ایرانی به مقصد چنین بازارهایی با دشواری‌هایی مواجه شود. در کشورهایی مثل چین، ژاپن و حتی قرقیزستان و برخی دیگر از کشورها این رویه اعمال می‌شود.

به این ترتیب برای ورود کالاهای ایرانی به این بازارها باید حقوق گمرکی بیشتری در مقایسه با کالاهای مشابه رقبای خود که عضو سازمان جهانی تجارت می‌باشند پرداخت شود (به عنوان نمونه در قرقیزستان حقوق گمرکی پرداختی کالاهای ایرانی دو برابر حقوق گمرکی پرداختی کالاهای مشابه کشورهای عضو سازمان جهانی تجارت است). در چنین شرایطی فعالین اقتصادی داخلی در بازارهای خارجی با سختگیری‌هایی مواجه می‌شوند که هزینه‌هایی را بر آن‌ها تحمیل می‌نماید. طبعاً این جزو وظایف دولت تلقی می‌شود که فضای مناسبی را برای فعالیت اقتصادی آن‌ها فراهم آورد و درصدد حذف چنین تبعیض‌هایی برآید. این حق فعالین اقتصادی کشور است که خواهان برخورداری از شرایط برابری در بازارهای خارجی باشند. به علاوه در مذاکرات دوجانبه و حتی در سطح منطقه‌ای کشورهای طرف مذاکره با

ایران خواستار پذیرش مفاد موافقت‌نامه‌های سازمان جهانی تجارت می‌شوند و حتی بر استناد به مقررات سازمان جهانی تجارت در موافقت‌نامه‌های تجاری تاکید می‌ورزند. این بدان معناست که عملاً ایران مجبور به قبول الزامات سازمان جهانی تجارت می‌گردد ولی از مزایای آن بهره‌مند نمی‌شود.

در حوزه تجارت خدمات مشکل دوچندان است. چرا که از سویی به دلیل خصلت ذاتی خدمات، قوانین و مقررات ملی کشورها به جای تعرفه، نقش اصلی در تحدید و تنظیم تجارت خدمات را ایفا می‌نمایند و از سوی دیگر قواعد سازمان جهانی تجارت در حوزه تجارت خدمات بسیار انعطاف پذیر طراحی شده است و بدین ترتیب دست کشورها در ایجاد محدودیت برای ورود عرضه کنندگان خدمات خارجی در بازارهای ملی باز است. کشورهایی که به عضویت این سازمان در می‌آیند در حوزه‌هایی از خدمات که متعهد به آزادسازی شده اند ملزم به تدوین قوانین و مقررات شفاف، بی طرفانه و عینی هستند تا تجارت خدمات با سهولت بیشتری جریان یابد. اما در برابر کشورهایی که به عضویت این سازمان در نیامده اند طبیعی است که چنین تعهدی وجود ندارد. بدین ترتیب کشورهایی که عضو این سازمان نمی‌باشند در تعاملات بین‌المللی در حوزه خدمات با شدت بیشتری در معرض قوانین و مقررات دست و پا گیر، محدود کننده و غیر شفاف بخصوص در زمینه مناقصات تجاری بین‌المللی قرار خواهند گرفت.

درچنین شرایطی الحاق به سازمان جهانی تجارت می‌تواند در رفع تنگنایهای پیش‌گفته و برچیدن تبعیض‌هایی که برای فعالین اقتصادی کشور در بازارهای خارجی اعمال می‌شود، موثر واقع شود و به زمینه سازی لازم برای تعامل فعال با اقتصاد جهانی منتهی شود.

موافقان و مخالفان جهانی سازی و کشورهای جهان سوم

از زمان آدام اسمیت اقتصاددانان بر آثار مثبت تجارت آزاد بر نرخ رشد اقتصادی آگاه بودند. طبق نظریات اقتصادی تجارت آزاد به توزیع بهینه عوامل تولید و در نتیجه حداکثر رشدمنجر می‌شود. در یک اقتصاد باز از آنجائیکه بنگاه‌ها به بازارهای بزرگتری دسترسی دارند لذا انگیزه و امکان بیشتری در بکارگیری ابتکارات و اختراعات و بهره بردن از منافع تولید انبوه دارند. این امر منجر به افزایش سرمایه گذاری و در نتیجه افزایش رشد درآمد ناخالصی داخلی و نتیجتاً رفاه جامعه می‌شود. همچنین بازبودن تجاری را سبب دست یافتن بنگاه‌های یک کشور به دانش و فن آوری کشورهای دیگر و بهره برداری از آنها به منظور افزایش بهره وری تولیدتعریف می‌کنند و از جمله مجراهای عمده چنین امری سرمایه گذاری‌های مستقیم خارجی است. درجه باز بودن اقتصاد با نسبت کالاهای قابل تجارت به تولیدات واقعی هر کشوراندازه گیری می‌نمایند. یک معیار درجه باز بودن اقتصاد نسبت

مجموع واردات و صادرات به تولید ناخالص ملی اندازه گیری می شود . بالاخره درجه باز بودن اقتصاد بر اساس معیارهای حساب سرمایه عبارت از نسبت خروج سرمایه به تولید ناخالص ملی می باشد . هرچه اقتصاد بازتر باشد امکان استفاده از مزایای تجارت و تخصیص بهتر منابع وجود خواهد داشت. مزیت دیگر تجارت آزاد را در قالب بهبود وضعیت مدیریت کشورها نیز برشمرده اند زیرا مسئولین مجبور می شوند سیاست های سنجیده تری در اقتصاد کلان ایجاد کنند تا موجب تقویت بنگاه های داخلی در جهت رقابت در بازارهای جهانی و نیز جذب سرمایه گذاری های خارجی شوند . تحقیقات زیادی نیز آثار مثبت سرمایه گذاری خارجی بر روی رشد اقتصادی را بررسی نموده و نشان می دهند که هر یک درصد افزایش در نسبت سرمایه گذاری خارجی به تولید ناخالص داخلی (FDI/GDP) رشد سالانه GDP را در حدود 3 درصد افزایش می دهد. لذا چنین نتیجه گیری می نمایند که آزادی تجارت و سرمایه گذاری خارجی به تشدید رشد می انجامد. بر این اساس برخی از اقتصاددانان جهانی سازی را به عنوان یک نیروی محرک قوی می دانند که کلید توسعه اقتصادی دنیای آینده را در دست خواهد گرفت . ولی گروه دیگر عقیده دارند که با این کار نابرابری بین ملت ها افزایش می یابد، مشاغل کمتر می شوند و موانعی برای استانداردهای زندگی و پیشرفت اجتماعی پدید می آید.

دیوید هلد در کتاب جهانی شدن و مخالفان آن به گروه بندی جالبی در این مورد می پردازد . او از یک سو به تعلقات منفی محافظه کاران و عناصر بومی و ملی اشاره دارد و به قول او نگرانی های ملی گرایانه آنها را مانع از نگرش مثبت به جهانی شدن می داند . اما به هر حال جدیدترین مخالفان فرآیند جهانی شدن ، نه محافظه کاران بلکه مارکسیست ها هستند. مارکسیست ها پدیده جهانی شدن را پدیده ای امپریالیستی می دانند که با یک ایدئولوژی می باشند . طبق نظر آنها " نئولیبرالی جهانی شدن " توجیه گر به دنبال مشروعیت بخشیدن به پروژه روابط اقتصادی یا سیاسی مشروط به سیاست ها و اولویت های اتخاذ شده توسط قدرت های بزرگ امروز است، زیرا فقط آنها از توانایی نظامی و اقتصادی کافی جهت ایجاد و حفظ شرایط لازم برای نوعی نظم باز نئولیبرالی بین المللی برخوردارند . مطابق استدلال آنها بدون اعمال سلطه آمریکا، نظم جهانی لیبرالی موجود که پایه و اساس افزایش وابستگی متقابل بین المللی را تشکیل می دهد قادر به ادامه حیات نیست از این لحاظ جهانی شدن چیزی بیش از آمریکایی شدن به حساب نمی آید.

گروهی از نظریه پردازان مشهور روابط بین الملل و جامعه شناسی نیز همچون ای مانوئل ووالرشتاین و طرفداران آنها معتقدند که جهانی شدن با ظهور و رشد نظام جهانی سرمایه داری از قرن شانزدهم شروع شد و گروهی نیز با

تاکید بر قدیمی بودن این پدیده کلا پنج مرحله اصلی برای آن از قرن پانزدهم تا پایان قرن بیستم در نظر می گیرند و آنان را مراحل جنینی، نخستین خیزش (1870-1920) مبارزه برای برقراری هژمونی (از دهه 1920) و مرحله ناطمینانی (از دهه ۱۹۶۰ به بعد) می خوانند.

اغلب نظریه های جهانی شدن بر تضعیف نقش دولت ها و از میان رفتن مرزها و در نتیجه گسترش پدیده جهانی شدن تأکید دارند و برخی از نظریه پردازان حتی از نابودی دولت و از میان رفتن آن سخن می گویند. برای نمونه برخی همانند اوهم احتمال محو دولت ها از حیات وصحنه سیاسی را مطرح کرده اند. برخی پژوهشگران نیز از تأثیر جهانی شدن بر تضعیف هویت قومی و ملی سخن می گویند.

برخی از اینان بر این باورند که نیروهای جهانی به ویژه شرکت های فراملی و سایر نهادهای اقتصادی جهانی با تشییع و تقویت فرهنگ جهانی با اعتقادات و ایدئولوژی های گوناگون جهان گرا آن قدر قدرتمند می شوند که وجود مداوم دولت های ملی را مزاحم فعالیت خود می بینند.

برخی جهانی شدن اقتصاد را روند افزایش ادغام بازارهای جهانی کالاها، خدمات و عوامل تولید می دانند. براساس این تعریف جهانی شدن سبب ادغام بیشتر اقتصادها در یکدیگر می شود و بازارهای جهانی کالاها، خدمات و عوامل تولید کار و سرمایه به سمت همگون شدن پیش می روند. ادغام بازار کالاها از طریق کاهش موانع تجاری تعرف های و غیرتعرفه ای صورت می گیرد و خدمات متفاوت و بازارهای عوامل تولید براساس ترتیبات تجاری بین المللی در بازارهای یکسان مبادله می شوند.

مدافعان بازار آزاد بر این باورند که تبادل نامحدود و فرامرزی کالاها به سود همه شرکت کنندگان در بازار است و به رفاه هرچه بیشتر ملل می انجامد. مخالفان این نظر ابراز می دارند که وقتی یک شرکت فراملیتی در جایی که نیروی کار ارزان و هزینه بیمه خدمات اجتماعی و زیست محیطی صفر است تولید می کند مخارج مطلق خود را کاهش می دهد و ره آورد چنین پدیده ای کاهش همزمان بهای کالای تولیدی و نیز ارزش نیروی انسانی در کشورهای مرفه است. سودی که از این راه بدست می آید ناچیز نیست و مکانیسم های سنتی اقتصاد جهانی را دگرگون می نماید. بکارگرفتن بهتر سرمایه ها در تولیدهای فرامرزی به شکل گیری سازمان های غول آسایی به نام کمپانی های فراملیتی انجامیده است، سازمانهایی که قدرتی فزاینده و کنترل ناپذیر دارند و با سلب اختیار از شهروندان آنها را مرعوب ساخته اند. به این ترتیب مشاهده می شود به جای آنکه کشورها و شرکت های ملی در فروش محصولات رقابت کنند کارگران جهان برای بدست آوردن فرصت های شغلی، با یکدیگر به رقابت

می پردازند تا در مراکز تولید سازمان یافته جهانی اجازه کار پیدا کنند. لذا بر این باورند که این پروسه به چارچوب اقتصاد ملی آسیب وارد می نماید زیرا اولاً نوآوری فنی و عقلایی کردن تولید، آنچنان فعالیت های اقتصادی را به شتاب انداخته که هدف آن را با پرسش روبرو ساخته است. برای مثال نرخ بهره وری سریع تر از بازدهی تولید رشد داشته است. ره آورد این فرآیند پدید نیامدن فرصت شغلی جدید به رغم رشد اقتصادی است. این وضعیت به **Great Jobless** شهرت یافته است یعنی نوعی رشد اقتصادی که هیچ فرصت اشتغال جدیدی پدید نمی آورد. ثانیاً به تغییر اساسی رابطه سرمایه و کار انجامیده است. همبستگی جهانی که روزگاری حربه تبلیغاتی جنبش های کارگری علیه دولت ها و سرمایه داران جنگ طلب بود، اینک ابزار طرف مقابل گشته است. کارگرانی که فقط در تشکیلات ملی سازمان یافته اند، در مقابل کمپانی های بین المللی قرار گرفته اند که هر درخواستی را با تهدید انتقال مکان تولید پاسخ می دهند. به نظراین گروه مخالفان جهانی شدن شعار " رفاه از طریق تجارت آزاد " برای رؤسای شرکت ها اعتبار دارد ولی بر این عقیده اند شعار " رفاه از طریق تجارت آزاد " برای کارگران و کارمندان شرتها به ویژه بیکاران کشورهای توسعه نیافته که همچنان بر تعدادشان افزوده می شود جذابیت ندارد. این موضوع علیرغم رقابت کشورها در جذب سرمایه و ایجاد اشتغال است.

بسیاری از مخالفان جهانی سازی از دیدگاه های مختلف و حتی از زمین های رشد و توسعه پایدار بر این باورند که واقعیت این است که نرخ رشدی که از آزادسازی اقتصادی پیش بینی می شود بدست نمی آید و در عوض نتیجه این کار فساد تدریجی فرهنگ و محیط زیست و گستره رو به تزاید فسادهای اجتماعی خواهد بود. در این ارتباط این گروه معتقدند که برخلاف گزارش بانک جهانی که مسئله اصلی در مقوله جهانی شدن و اقتصادهای نئولیبرال در حوزه تجارت آزاد را حداقل کردن نقش دولت و حذف محدودیت ها در جریان سرمایه گذاری های مستقیم دانسته است و برتری اینگونه سیاست ها را با اشاره به موفقیت های کشورهای شمال (ثروتمند) در مقابل جنوب (فقیر) اظهار کرده است، اینگونه ادعاها از سوی کشورهای جنوب مورد سوال قرار گرفته است. مطالعات انجام شده از سوی کشورهای جنوب بر این موضوع اصرار دارند که تحقیقات انجام شده در گزارشات بانک جهانی بر اساس تفاسیر غلط از حقایق می باشد. گزارشات به موارد زیر اشاره می کنند:

(۱) آزادسازی و جهانی سازی هر دو در کشورهای صنعتی و در حال توسعه به طور جمعی و طی سالیان متمادی به صورت روندی ناپیوسته مطرح بوده است. به هر حال در یک سطح عملی می توان این دو را کم و بیش روند تجارت آزاد در رابطه با تولیدات کارخانه ای و آزادی تحرک سرمایه بین کشورهای صنعتی پیشرو طی دهه های اخیر

دانست. این موضوع بویژه نه فقط در مقایسه با کشورهای در حال توسعه بلکه به طور موثری در مقایسه با وضعیت اقتصادی آنها طی دهه های پنجاه و شصت مشهود است. در دهه های فوق اکثر کشورها تحت نظام برتون وودز نه تنها سیستم کنترل سرمایه را اعمال می نمودند بلکه تولید داخلی، بازارهای سرمایه و نیروی کار آن ها نیز در راستای اهداف اجتماعی، اقتصادی و سیاسی آن ها تحت پوشش مقررات و قوانین گسترده ای بود.

۲) انتظار می رفت که نظام آزاد در کشورهای پیشرفته صنعتی طی دهه های اخیر در رابطه با تحرکات تجارت و سرمایه موجب بهبود وضعیت اقتصادی آن ها گردد. در حالیکه این انتظار به حقیقت نپیوست و اقتصاد آزاد نتوانست بسیاری از انتظارات را برآورده سازد.

۳) دهه های اخیر در کشورهای صنعتی با مشخصه نوسان و کندی رشد اقتصادی و بیکاری انبوه و مشکلات اجتماعی مشخص می گردد. بدین ترتیب می توان گفت دوره پویاتر در کشورهای صنعتی پیش از دوران مقررات زدایی در بازارهای داخلی و خارجی بوده است.

۴) بیکاری انبوه کشورهای اروپایی در دهه های اخیر شکست مهم ناشی از اقتصاد آزاد بوده است. سطوح بالای بیکاری همراه با فقر و تداوم روند آزادسازی، نیاز به سیاست های حمایتی را تأیید می نماید.

۵) شکست های اقتصادی کشورهای عضو سازمان همکاری و توسعه اقتصادی (OECD) را نمی توان به دلیل عوامل خارجی از قبیل فناوری دانست. نتیجه اصلی اینست که آزادسازی از طریق عملکرد سرمایه و بازارهای مالی به دورنمای اقتصاد و رشد کشورهای پیشرفته صنعتی از دو طریق مشخص اما به هم مربوط، زیان وارد ساخته است. نخست آنکه بدلیل موج بودن بازارها هزینه سرمایه بالا رفته و به سرمایه گذار بطور مستقیم و یا غیرمستقیم (از طریق بالا رفتن نرخ بهره واقعی) صدماتی وارد ساخته است. در ثانی، بازارهای مالی به طور کلی دولت ها را وادار ساخته است که سیاستهای تورم زدایی یا کاهش رشد را دنبال نمایند.

۶) تحت یک رژیم اقتصاد آزاد احتمال کمی دارد که کشورها بتوانند روند نرخ رشد خود را با استفاده از سیاست های جاری مبنی بر انعطاف پذیری بازارهای نیروی کار بالا برند. جهانی سازی نه فقط نمی تواند به رشد اقتصاد و اشتغال کمک نماید حتی احتمال می رود که در داخل کشورهای صنعتی نیز موضوع تقسیم نیروی کار را پدید آورد. به علاوه موجب بدتر شدن کشمکش های بین کارگران کشورهای صنعتی و در حال توسعه شود.

۷) در رابطه با کشورهای در حال توسعه، آزادسازی و جهانی سازی در این کشورها در مقایسه با کشورهای پیشرفته در روندی کندتر اتفاق افتاده است. علیرغم بکارگیری اصلاحات گسترده سیاست های تجاری در

کشورهای در حال توسعه هنوز گستره سیاست آزاد سازی توسط این کشورها کاملاً محدود است. آزادسازی جریان سرمایه در کشورهای در حال توسعه بیش از اصلاحات تجاری و عمدتاً به خاطر جذب سرمایه مستقیم خارجی بوده است.

۸) سیاست های آزادسازی و جهانی سازی و کاهش نقش دولت از سوی موسسات مالی چندجانبه برای کشورهای در حال توسعه توصیه شده است و ادعا گردیده است که پیاده نمودن چنین سیاست هایی برای اقتصاد کشورهای آسیایی شرقی (شامل ژاپن پس از سال 1945) و چین پس از مائو، موفقیت آمیز بوده است. در صورتی که تجربه ژاپن و کره جنوبی نشان می دهد که این کشورها طی دوران صنعتی شدن و رشد سریع اقتصادی خود آن دسته سیاست هایی را پذیرفته اند که کاملاً مخالف با سیاست های پیشنهاد شده از سوی سازمان های مالی چند جانبه بوده است. برای مثال در دوره مناسبی این دو کشور بطور گسترده ای به کنترل واردات خود پرداخته و موانعی بر سر راه سرمایه گذاری خارجی به وجود آوردند و سیاست های شدید هدایت صنعتی دولتی را پیش گرفتند و به این طریق توانستند به تغییرات ساختاری گسترده ای دست بزنند و سطح زندگی مردم خود را بالا ببرند.

۹) وضعیت درخشان اقتصادی چین در دوران پس از مائو نشان می دهد که این کشور از الگوی توسعه بانک جهانی که مبنی بر خصوصی سازی، آزادسازی و بازار رقابتی انعطاف پذیر که برای دستیابی به رشد اقتصادی سریع ضروری است تبعیت ننموده است. گرچه سیاست بازاریز تا حد زیادی در چین بکار گرفته شد ولی بازارها در چین چندان منعطف و رقابتی نبودند. از سوی دیگر در بسیاری از بازارهای مهم همانند سرمایه، کار و زمین کمتر می توان این سیاست را مشاهده کرد.

۱۰) گفته می شود که سیاست های نئولیبرالی پذیرفته شده توسط دولت های آمریکای لاتین تحت قیمومت مؤسسات برتون وودز در دهه گذشته لزوماً بهترین نوع آن نبوده است و علت عدم موفقیت این کشورها در حصول رشد اقتصادی بدین سبب بوده است. مخالفین نظر فوق در پاسخ ابراز می دارند که اتخاذ چنین سیاست هایی شامل آزادسازی مالی بیشتر و غالباً رقابت بین المللی می باشد که در زمانی که بخش های بزرگی از اقتصاد ملی در وضعیت ضعیفی قرار دارند که خود ناشی از تداوم عدم سرمایه گذاری کافی به دلیل بحران بدهی می باشد اوضاع را وخیمتر می نماید.

۱۱) در رابطه با اقتصاد کشورهای آفریقائی، بطور ضمنی می توان اینگونه بیان کرد که وضعیت موجود به دلیل اوضاع ضعیف اقتصادی آنهاست که ناشی از ادغام بیشتر آنها در اقتصاد جهان می باشد. این کشورها در معرض

شوک های شدید خارجی ناشی از نرخهای بهره و قیمت ها قرار گرفتند که وخامت اوضاع آنها را در تعامل بیشتر با کشورهای جهان رفع نمود.

۱۲) بررسی ها نشان می دهد که بدون توجه به سطوح توسعه و درجه ادغام آنها در اقتصاد جهان تقریباً کلیه کشورهای در حال توسعه در کلیه مناطق علائق و وابستگی های مشترک در رابطه با موضوعات جهانی شدن و همچنین مقوله های آزادسازی و جهانی سازی دارند. این کشورها با یکدیگر می توانند سکوی مذاکراتی قوی از کشورهای در حال توسعه تشکیل دهند و محور مذاکرات خود را بر موضوعات زیر متمرکز سازند: فشارهای مداومی از سوی بانک جهانی، صندوق بین المللی پول و آمریکا به انکتاد که از نمایندگیهای سازمان ملل می باشد وارد آورده می شود. بنابراین ضروری است که انکتاد (کنفرانس سازمان ملل متحد در مورد تجارت و توسعه) مورد حمایت کشورهای در حال توسعه قرار گیرد. از طرف دیگر انکتاد می تواند پایگاه سیاسی برای گسترش همکاری بین شمال و جنوب باشد. باید توجه نمود که مشکلات توسعه اقتصادی کشورها در آینده نزدیک قابل حل نیست و مذاکرات در این زمینه می تواند به طول بیانجامد. برای کشورهای جنوب ضروری خواهد بود که انکتاد را به عنوان ارگانی که می تواند رویه ها و استراتژی هایی برای کشورهای در حال توسعه در چارچوب جهانی سازی را ارائه دهد بشمار آورند. بهر حال انتخاب اولین بهترین سیاست در رابطه با آزادسازی و جهانی سازی به معنای سعی در ادغام سریعتر و نزدیکتر نیست بلکه در عوض تعریف سیاست های دقیق از ادغام اختیاری یا به زبان دیگر یک نوع ادغام استراتژیک است. اگر طبق دور مذاکرات اروگوئه اجرای برخی سیاست ها قابل پذیرش نباشد انکتاد می تواند سیاست های دیگری ارائه دهد. باید این سیاست ها به نحوی باشند که مناسب قالب های فرهنگی هر جامعه ای نیز باشد. این کار به ویژه در مورد کشورهای کمتر توسعه یافته ای که واحدهای تولیدی شان هنوز قدرت رقابت بین المللی ندارند بسیاری ضروریست.

مذاکرات دور اروگوئه بهتر است مورد ارزیابی قرار گرفته و انکتاد فرضیه های لازم را برای این مذاکرات فراهم سازد. برای مثال همه سرمایه گذاری های مستقیم خارجی سودآور نیستند. شواهد تاریخی و تجربی نشان می دهد که مقدار سرمایه گذاری خارجی چندان مهم نیست بلکه ماهیت سرمایه گذاری و انواع ارتباطاتی که با اقتصاد داخلی برقرار می نماید مهم است. بهر حال انکتادی با بنیادهای جدیدتر و قوی تر نیاز است تا به بحث در مورد سرمایه گذاری خارجی و انتقال فناوری بپردازد. تا اینکه تحت پوشش موافقتنامه های بین المللی سرمایه گذاری ها بتواند منافع کشورهای در حال توسعه را نیز در برگیرند. نقش مهم دیگر انکتاد در تحولات اقتصادی جهانی در

رابطه با سیاست رقابت می باشد. زمانی که شرکتهای چند ملیتی در عوض رقابت با یکدیگر به رقابت با بازارهای داخلی کشورهای در حال توسعه پرداخته و آنها را بین خود تقسیم می کنند، نقش آنکتاد در کسب تجربه برای مقابله با آنها مهم تر می شود. تعداد رو به تزاید گروه های منطقه ای که در میان خود تجارت خاصی را انجام می دهند و ترتیبات سرمایه گذاری خاصی دارند بین کشورهای عضو مسائلی به وجود می آورد که مستلزم بررسی ها و نظارت آنکتاد می باشد. ضمناً فراهم نمودن کمکهای فنی نیز از مقولات دیگر مورد نظر در آنکتاد می تواند باشد.

مقوله جهانی سازی اگر موجب ایجاد همکاری بیشتر بین کشورهای در حال توسعه با خودشان نگردد مفهوم اصلی خود را نمی تواند حفظ نماید. از جمله دیگر وظایف آنکتاد باید در جهت ایجاد همکاری بین جنوب با جنوب در زمینه جریان های تجاری، فنآوری و اطلاعات باشد.

امکانات بالقوه عضویت در سازمان جهانی تجارت (WTO)

اصلی ترین مزایای بالقوه عضویت در سازمان جهانی تجارت را که به واسطه رعایت قواعد نظام تجاری چندجانبه در نهایت زمینه های لازم برای تعامل با اقتصاد جهانی را فراهم می سازد می توان به شرح زیر خلاصه نمود:

- برخورداری از دسترسی به بازار بهتر در کشورهای ثالث و اجتناب از پرداخت نرخهای تعرفه بالاتر از نرخ های دولت کامله الوداد (MFN) و در نتیجه افزایش قدرت رقابت محصولات ایرانی در بازارهای خارجی.

- برخورداری از مزایای ثبات محیط تجاری و رفتارهای قاعده مند و اجتناب از اعمال هرگونه تبعیض در برخورد با کالاهای ایرانی در بازار کشورهای ثالث و در نتیجه امکان برنامه ریزی بلند مدت برای حضور مستمر در بازارهای هدف

- امکان جذب سرمایه گذاری های خارجی بیشتر بر اثر ثبات محیط تجاری کشور و در نتیجه توسعه تولیدات صادراتی و همچنین بهره مندی از سرمایه گذاری های مشترک

- امکان برخورداری از فنآوری های نوین و تسهیل انتقال تکنولوژی به کشور و اثر آن بر کیفیت محصولات تولیدی و افزایش قدرت رقابت در بازارهای خارجی

- امکان توسل به مکانیزم حل و فصل اختلاف سازمان جهانی تجارت در صورت اعمال هرگونه تبعیض بر علیه کالاهای صادراتی ایران در بازارهای خارجی (کشورهای عضو سازمان جهانی تجارت)

- حضور در مجامع بین المللی ذیربط و دفاع از منافع ملی کشور در جریان تدوین قواعد جدید تجاری طی ادوار مذاکراتی

- برخورداری از رفتار برابر و رفع تبعیض در تجارت با سایر کشورها
- بهره‌گیری از اصل رفتار متفاوت و مساعد با کشورهای در حال توسعه و امکان تعامل تدریجی با اقتصاد جهانی

ضرورت‌های تعامل فعال و سودمند کشور با اقتصاد جهانی

از آنجا که سازمان جهانی تجارت به نوعی تمامی شوون اقتصادی کشورهای عضو را (اگر چه از طریق مجرای تجارت) تحت تأثیر قرار می‌دهد لذا عضویت در این سازمان به معنای پذیرفتن انجام فعالیت‌های اقتصادی در بستری رقابتی است. به طور کلی الحاق به این سازمان به دو گونه می‌تواند بر حوزه اقتصاد ملی و همچنین عوامل مؤثر بر رقابت تأثیر گذاشته و از این رهگذر منافع و احیاناً مضار خود را بر اقتصاد ملی نشان دهد. اول، تأثیرات مستقیمی است که به لحاظ پذیرش قوانین و مقررات مختلف این سازمان در قالب موافقت‌نامه‌های گوناگون در اقتصاد ملی ظاهر می‌شود. به طور مثال پس از عضویت در این سازمان، امکان تداوم انحصارات زیان بار و ضد رقابتی و یا وضع قوانین و مقررات تبعیض آمیز وجود نخواهد داشت که بیش از همه این موضوع اقتصاد ملی را متاثر خواهد ساخت. دوم، تأثیرات غیر مستقیمی است که به جهت عضویت و حضور در عرصه بین الملل و رقابت در مقیاس جهانی به وقوع خواهد پیوست. هر دو دسته این اثرات به شرط مدیریت آگاهانه و هوشمندانه فرآیند الحاق برای اقتصادی با مختصات فعلی و سوابق پیشین و مشکلات جاری اقتصاد ما می‌تواند به غایت ثمر بخش باشد.

از سوی دیگر تبدیل شدن به قدرت اول اقتصادی، علمی و فناوری در سطح منطقه به نحوی که در سند چشم‌انداز بیست‌ساله آمده، ضرورتاً مستلزم تعامل سازنده و فعال با کشورهای منطقه است. لازمه این تعامل فعال نیز برقراری روابط اقتصادی و تجاری نهادینه با کشورهای منطقه و لزوم تبعیت از الگوها، قواعد و رفتارهای تجاری مورد توافق و شناخته شده است. امروزه قریب به اتفاق کشورهای منطقه یا عضو سازمان جهانی تجارت می‌باشند و یا در حال طی کردن فرآیند الحاق به آن هستند. این کشورها در روابط دو جانبه و منطقه‌ای خود متعهد هستند که از الگوها و قواعد اقتصادی و تجاری سازمان جهانی تجارت تبعیت نمایند و نمی‌توانند با کشورهای خارج از این سازمان وارد توافقات اقتصادی و تجاری مغایر با تعهدات شان در سازمان جهانی تجارت گردند. این ضرورت راهبردی، جمهوری اسلامی ایران را حتی در برقراری روابط دو جانبه و منطقه‌ای اقتصادی و تجاری، ملزم می‌گرداند که الگوهای تجاری خود را با قواعد و موافقت‌نامه‌های سازمان جهانی تجارت منطبق گرداند. از این روست که امروزه مجموعه موافقت‌نامه‌های سازمان جهانی تجارت تبدیل به قانون اساسی تجارت جهانی گردیده و کشورهای جهان برای توسعه مناسبات اقتصادی و تجاری خود حتی در سطح دو جانبه و منطقه‌ای ملزم به رعایت اصول و قواعد آن هستند. واقعیت

اقتصاد جهانی و حتی منطقه‌ای پیرامون جمهوری اسلامی ایران نشان می‌دهد که بدون تبعیت از قواعد و موافقت‌نامه‌های سازمان جهانی تجارت که لازمه برقراری روابط اقتصادی و تجاری نهادینه با کشورهای منطقه می‌باشد، تبدیل شدن ایران به قدرت اول اقتصادی منطقه در افق چشم‌انداز بیست‌ساله با تردیدهای جدی مواجه می‌باشد.

کیفیت عضویت در سازمان جهانی تجارت، رقابت پذیری و تعامل با اقتصاد جهانی

حضور فعال در نظام تجارت جهانی یک مسیر دو طرفه است که هم آمادگی برای انتقال توانائی های کشورها به این نظام و هم آمادگی برای بهره‌گیری از امکانات بین‌المللی را می‌طلبد. این حضور طی کردن یک فرآیند تدریجی و مرحله‌ای است و کشورهای فعال اعم از توسعه یافته و در حال توسعه در این نظام به طور یکسان مشارکت ندارند. آنچه که میزان مشارکت کشورها در اقتصاد جهانی را معین می‌کند، اولاً سطح توسعه اقتصادی و صنعتی آنهاست و ثانیاً نقشی است که اقتصاد بین‌الملل در اقتصاد داخلی کشورها ایفا می‌کند. هر چقدر صنایع یک کشور از قدرت رقابتی بالاتری برخوردار باشند، آمادگی بیشتری برای پذیرش امکانات اقتصاد بین‌الملل در قالب کالاها، تکنولوژی، سرمایه و تخصص دارند و می‌توانند از این امکانات و عوامل برای حضور در بازارهای جهانی استفاده کنند. در واقع این سازمان و مجموعه موافقت‌نامه‌ها و قواعد آن ابزارها و امکاناتی هستند برای حضور فعال در اقتصاد جهانی و بهره‌گیری از امکانات بین‌المللی در جهت تحقق راهبرد توسعه صادرات که باید در کنار مجموعه الزامات توسعه‌ای مورد توجه قرار گیرد. برای تحقق راهبرد توسعه صادرات که از اصلی‌ترین راهبردهای توسعه برای تعامل مؤثر و فعال با اقتصاد جهانی به شمار می‌رود، ابتدا باید رابطه توسعه‌مند با تجارت بین‌الملل برقرار کرد و تدریجاً الگوهای رفتاری اقتصادی و تجاری خود را متناسب با الزامات و اقتضائات این نظام شکل دهیم و پس از کسب آمادگی های لازم این الگوها را در چارچوب قواعد و موافقت‌نامه‌های سازمان جهانی تجارت قاعده‌مند نماییم و آنگاه خود را برای تضمین استمرار این الگوهای رفتاری متعهد کنیم. چگونگی حضور در نظام تجارت جهانی و پذیرش تعهدات مربوطه در سازمان جهانی تجارت و انطباق آن با الزامات توسعه‌ای کشور، موضوعی است که طی مذاکرات طولانی و پیچیده الحاق روشن خواهد شد. طولانی بودن مذاکرات الحاق عمدتاً به خاطر لزوم کسب آمادگی های ضروری برای انطباق تدریجی الزامات ملی توسعه‌ای کشور با تعهدات بین‌المللی است. این مذاکرات فرصت بسیار مناسبی است برای حل این مشکل راهبردی که چگونه می‌توان ضمن حفظ منافع ملی، استقلال سیاسی و هویت فرهنگی کشور، از امکانات اقتصاد جهانی در راستای تحقق برنامه‌های توسعه‌ای کشور در افق چشم‌انداز ۲۰ ساله بهره‌برداری نمود.

نکته بسیار مهمی که در خصوص سازمان جهانی تجارت باید همواره مد نظر سیاست گزاران قرار گیرد این است که عضویت در این سازمان فی نفسه هدف نیست و به خودی خود موجب تغییری در جایگاه کشورها در نظام جهانی نمی‌شوند و تنها زمانی مؤثر و کارآمد هستند که کشورها، برنامه‌ها و سیاست‌های داخلی خود را متناسب با این حضور بین‌المللی تنظیم کرده باشند. از این رو نه تنها حضور در سازمان جهانی تجارت بلکه عضویت در هیچ سازمان بین‌المللی دیگری به خودی خود موجب توسعه و حل مشکلات اقتصادی کشورها نمی‌گردد، کما اینکه بسیاری از کشورهای در حال توسعه و کمتر توسعه یافته‌ای بیش از ۳۰ سال عضو گات و سازمان جهانی تجارت هستند و تغییری از این بابت در وضعیت اقتصادی خود شاهد نبوده‌اند. صرف عضویت در گات و یا سازمان جهانی تجارت برای این کشورها توسعه صادرات را به دنبال نداشته است، بلکه از زمانی که به اصلاح سیاست‌های اقتصادی و تجاری و منطقی کردن نظام تعرفه‌ای خود اقدام نمودند و با بهره‌گیری از امکانات بین‌المللی، اقتصاد داخلی خود را در معرض رقابت خارجی قرار دادند، صادرات شان از یک روند افزایش با ثبات برخوردار گردید. از این رو نکته اساسی که در مورد کشورهای در حال توسعه موفق در امر توسعه صادرات باید مورد توجه قرار گیرد، چگونگی انجام اصلاحات اقتصادی و اجرای استراتژی توسعه صادرات آنهاست. در مجموع نباید تصور کرد که الحاق به سازمان جهانی تجارت فاقد هزینه و صرفاً متضمن منفعتی برای کشور خواهد بود. صرف نظر از کاهش نرخ‌های تعرفه در هنگام الحاق که به درخواست کشورهای عضو سازمان جهانی تجارت در راستای ایجاد دسترسی به بازار باید صورت گیرد، پذیرش قواعد و مقررات سازمان جهانی تجارت به تغییر بسیاری از مقررات و برخی از قوانین فعلی منتهی خواهد شد و برای دولت در حمایت از تولیدات داخلی محدودیت ایجاد خواهد کرد و بسیاری از مقررات را تثبیت کرده و در عرصه ملی غیرقابل تغییر خواهد نمود. البته حمایت از تولیدات داخلی در بین کشورهای عضو سازمان جهانی تجارت هم رایج است اما این حمایت‌ها باید عمدتاً از طریق نرخ‌های تعرفه و در چارچوب مقررات این سازمان اعمال شود. بدین ترتیب برخی از ابزارهای موجود حمایتی بلاثر خواهند شد و دولت و مسئولین باید تلاش خود را جهت استفاده از ابزارهای جایگزین به کار بندند و در غیاب ابزارهای مؤثر پیشین با اتکا به توان کارشناسی و افزودن بر اثر بخشی امور حاکمیتی دولت، درصدد دنبال نمودن اهداف توسعه‌ای با ابزارهای مناسب دیگر برآیند. این نشان‌دهنده آن است که مسؤولیت دولت و مسؤولان نظام در پی‌گیری اهداف اقتصادی و تجاری در شرایط پس از الحاق سنگین‌تر و از ظرافت‌های بیشتری برخوردار خواهد بود.

اصلی ترین کارکردهای اصول نظام تجاری چند جانبه در اقتصاد ملی کشورها

در مجموع با تشکیل سازمان جهانی تجارت و عضویت کشورهای در آن و به کارگیری قواعد و اصول نظام تجاری چند

جانبه، اقتصاد ملی کشورها از ویژگی هایی برخوردار گردیده که می توان آنها را به شرح زیر خلاصه کرد:

۱- با رفع موانع تجاری در واقع مزیت های رقابتی، تعیین کننده جایگاه هر کشور در نظام اقتصادی و تجاری دنیا خواهد بود.

۲- کشورها به واسطه برطرف کردن تدریجی موانع تجاری و تعامل با یکدیگر، بیش از گذشته در اقتصاد جهانی مشارکت خواهند داشت و بالمال اقتصاد ملی آنها نیز متاثر از چنین هم پیوندی هایی خواهد شد و در نتیجه درجه همگرایی اقتصادی کشورها با یکدیگر افزایش خواهد یافت.

۳- التزام به رعایت قواعد نظام تجاری چند جانبه موجب می شود در عرصه اقتصاد ملی و حوزه اقتصاد کلان نیز محیطی با ثبات فراهم شود که خود لازمه فعالیت اقتصادی و رقابتی بنگاه ها در سطح خرد اقتصادی است.

۴- همکاری های اقتصادی و تجاری و پایبندی به تعهدات بین المللی مربوط، کشورها را مکلف می کند تا میان سیاست های اقتصاد ملی و رفتارهای بین المللی خود تعادلی منطقی برقرار سازند.

۵- سیاست های آزادسازی اقتصادی و تجاری که کشورهای در حال توسعه طی سالهای اخیر در جهت استفاده از فرصت ها و امکانات بین المللی و در نهایت توسعه صادرات خود اتخاذ نموده اند، بیش از گذشته تقویت خواهد شد.

۶- تقویت همکاری های اقتصادی تجاری بین المللی و مشارکت روزافزون کشورها در نظام اقتصادی جهان، موجب ثبات سیاسی در سطح بین الملل می گردد.

۷- همکاری و رقابت های اقتصادی، تجاری و فناوری وجه غالب روابط بین الملل را تشکیل خواهد داد.

این ویژگیها در کنار سایر عوامل که پایه های اصلی اقتصاد جهان در قرن حاضر را تشکیل می دهند، هر کشوری را که تعامل با جهان را بر انزوا ترجیح می دهد ناگزیر می سازد تا برای بقا و توسعه خود بیش از گذشته اقتصاد ملی خود را جهت تعامل با چنین نظام رقابتی آماده ساخته و از فرصت های نهفته در آن حداکثر استفاده را بکند.

الحاق به سازمان تجارت جهانی

اعضای سازمان تجارت جهانی به دو دسته اعضای اولیه و اعضای ملحق شده تقسیم می شوند. اعضای اولیه همان طرف های متعاهد گات تا پایان سال 1994 و نیز اعضای اتحادیه اروپا هستند که در مهلت دوساله پس از تاسیس

سازمان تجارت جهانی به عضویت این سازمان درآمده اند. دیگر کشورها و یا قلمرو های مجزا و خود مختار گمرکی نیز برای عضویت باید فرآیند الحاق را مطابق با ماده 12 موافقتنامه تاسیس سازمان تجارت جهانی طی کنند. فرآیند الحاق به سازمان تجارت جهانی با دیگر سازمانهای بین المللی که غالباً از روند خودکار الحاق بهره مند هستند متفاوت است. براساس ماده مزبور، الحاق به این سازمان با شرایط مورد توافق سازمان و دولت متقاضی صورت خواهد گرفت و به عبارت دیگر فرآیند الحاق به سازمان تجارت جهانی یک فرآیند مذاکره ای است و نتیجتاً امر الحاق به این سازمان را به روندی پیچیده، زمان بر و دشوار تبدیل می نماید. لذا طی مذاکرات کشورهای متقاضی باید بپذیرند که اقداماتی را جهت مطابقت قوانین ملی خود با مقررات موافقتنامه های چندجانبه سازمان به عمل آورند. علاوه بر این لازم است تعهداتی را برای کاهش تعرفه ها و اصلاح مقررات خود قبول نمایند تا دسترسی بیشتری را برای واردات کالاها و خدمات خارجی فراهم نمایند.

فرآیند الحاق به سازمان تجارت جهانی

شامل درخواست عضویت و تشکیل گروه کاری، بررسی رژیم تجارت خارجی کشور متقاضی الحاق (مرحله حقیقت یابی) مذاکرات دوجانبه (مرحله مذاکرات دسترسی به بازار) جهت تهیه جدول امتیازات و تعهدات مربوط به گات 1994 همچنین جدول تعهدات ویژه مربوط به موافقتنامه عمومی تجارت خدمات برای آن کشور و نهایتاً توافق در مورد گزارش گروه کاری، سند تصمیم در مورد الحاق و پروتکلی (مقاولة نامه ای) که شرایط الحاق را معین می سازد می باشد. پروتکل الحاق 30 روز پس از پذیرش کشور متقاضی الحاق (پس از تصویب پارلمان آن کشور) لازم الاجرا می گردد.

به طور کلی کشوری که می خواهد به عضویت WTO در آید مراحل زیر را سپری می نماید:

1) پرکردن فرم تقاضانامه و ارسال آن به دبیرخانه: دولت متقاضی طی نامه ای به دبیرکل سازمان رسماً تمایل کشور خود را برای عضویت در سازمان اعلام می دارد. این نامه می تواند دربردارنده علت تمایل به عضویت و همچنین قبول توافقاتی باشد که در این 46 زمینه صورت گرفته است.

2) تشکیل گروه بررسی: دبیرکل پس از دریافت تقاضا آن را به اطلاع شورای عمومی می رساند و در صورت قبول شورا، گروه بررسی اقدام بکار می نماید. این گروه متشکل از یک رئیس و نمایندگان کشورهای عمده تجاری و نمایندگان کشورهایایی است که در رابطه با عضویت کشور عضو منافی دارند می باشد. وظیفه این گروه رسیدگی به

تقاضای عضویت و مدیریت و سازماندهی مذاکرات می باشد و در ضمن کلیه سیاست ها و تدابیر کشور متقاضی را بررسی و گزارش می نماید.

(3) تهیه یادداشت تدابیر و سیاست های تجاری خارجی: در این مرحله کشور عضو یادداشتی در مورد جزئیات تعرفه های گمرکی، موانع تجاری غیرتعرفه ای، مقررات صادرات و واردات و محدودیت ها و سیاست های ارزی، تدابیر اتخاذ شده و مقررات سرمایه گذاری خارجی و مقررات مربوط به تجارت خدمات و حق مالکیت معنوی به دبیرکل تقدیم می کند.

(4) مرحله پاسخگویی به سئوالات مطرح شده توسط اعضا: کلیه اعضا سئوالاتی درباره این گزارش مطرح می نمایند و کشور متقاضی کتبا اقدام به پاسخگویی خواهد نمود.

(5) تشکیل جلسه بررسی: رئیس گروه بررسی در جلسات مختلف بررسی گزارشات را آغاز می نماید.

(6) مذاکرات چند جانبه و دو جانبه با کشورهای دیگر: در زمان بررسی گزارشات اعضا ممکن است مذاکراتی با کشورهای دیگر به طور دو جانبه یا چند جانبه در مورد کاهش تعرفه گمرکی انجام دهند. کشورهای عضو معمولاً در قبال گرفتن برخی امتیازات اجازه می دهند تا دیگر اعضا از کاهش تعرفه یا تسهیلات مقرر منتفع گردند.

(7) رأی گیری: قبول یا رد عضویت کشور متقاضی طبق بند 2 ماده 12 پذیرش عضویت مستلزم جلب نظر دو سوم کل اعضا سازمان است ولی رویه متعارف که از گات به جا مانده است رسیدن به توافق جمعی یا اجماع است. بنابراین کشوری که تمایل به عضویت دارد باید رضایت طرف های عمده تجاری مانند آمریکا، اتحادیه اروپا، ژاپن و کانادا را به خصوص جلب نماید و با وجود جلب نظر اکثریت دو سوم نباید از رویه عملی سازمان غافل بماند.

(8) تنظیم پروتکل الحاق: با پذیرفته شدن عضویت کشور متقاضی پروتکل الحاقی که دربردارنده تعهدات و شرایط الحاق کشور است مورد مذاکره قرار می گیرد. جدول امتیازات و توافقاتی که مربوط به کاهش تعرفه ها که به پیوست پروتکل تهیه شده به امضاء کشور متقاضی و سایر اعضا می رسد و زمانی که کشور متقاضی رسماً به دبیر کل سازمان تجارت جهانی اعلام نماید که پروتکل و ضمیمه آن مورد قبول است آن کشور عضو سازمان تجارت جهانی خواهد شد.

همانطور که مشاهده می شود در این جریان:

اول: عضویت در سازمان به معنای موافقت با کلیه موافقتنامه های چند جانبه سازمان تجارت جهانی است که قاعده تا شروطی را بر کشور متقاضی تحمیل می نماید.

دوم: کشور متقاضی باید به ویژه با کشورهای عمده تجاری وارد مذاکره گردد و برای جلب رضایت آنها امتیازاتی از قبیل کاهش تعرفه های گمرکی بدهد و روابط سیاسی - تجاری خود را با اعضاء و به ویژه کشورهای عمده تجاری بهبود بخشد.

برای کشوری که به عضویت سازمان تجارت جهانی پذیرفته شود، اقدامات زیر از سیاست های اجرائی مهمی است که باید مد نظر داشته باشد:

(۱) آزادسازی تجارت خارجی: شامل برداشتن موانع تعرفه ای و غیرتعرفه ای یا کاهش آنهاست. همچنین وضع موانع تجاری غیرتعرفه ای، غیرقانونی می باشد. البته برای کشورهای در حال توسعه در این زمینه استثنائاتی قائل شده اند.

(۲) آزادسازی قیمت کالاها و خدمات: حذف سوبسیدها و کمک های دولتی که به تولید کالا و خدمات داده می شود برای تحقق این مورد می باشد. البته تعدادی از سوبسیدها مثل سوبسیدهای تحقیق و توسعه، سوبسیدهای خصوصی سازی و سوبسید کالاهای مصرفی، سوبسید سبز محسوب شده و کشورهای عضو ملزم به حذف آنها نمی باشند.

(۳) آزادسازی نرخ ارز: شامل حذف ارایه هرگونه ارز سوبسیددار می باشد.

(۴) آزادسازی نرخ بهره

(۵) لغو انحصارات دولتی و خصوصی در تولید و قیمت گذاری کالاها و خدمات

(۶) جریان آزاد اطلاعات: شامل در اختیار گذاشتن اطلاعات و مقررات و قوانین تصویبی توسط کشور عضو به سایر اعضا می باشد.

(۷) تخصیص بهینه منابع به وسیله بازار

(۸) جداسازی دو مفهوم اقتصاد و تأمین اجتماعی.

رفتار ویژه با کشورهای در حال توسعه بیش از دو سوم اعضای سازمان تجارت جهانی را کشورهای در حال توسعه تشکیل می دهند. مقررات مربوط به توسعه کشورهای در حال توسعه، که در طول چند دهه قبل از تاسیس سازمان تجارت جهانی شکل یافته بودند، از طریق موافقتنامه گات به سازمان تجارت جهانی منتقل گردیدند. موافقتنامه های سازمان تجارت جهانی نیز هر یک رفتار ویژه ای را با کشورهای در حال توسعه به اشکال مختلف پیش بینی نموده اند. بطور کلی این مقررات را به سه دسته عمده تقسیم می شوند:

الف: مقررات ناظر بر تسهیل تجارت کشورهای در حال توسعه

شامل اقدامات یک جانبه کشورهای توسعه یافته در اعطای امتیازات ترجیحی به کشورهای در حال توسعه در موارد زیر می باشند:

- نظام عمومیت یافته ترجیحات (GSP)
- (شرط توانمندسازی) تصمیم در مورد رفتار متفاوت و مطلوب تر، رفتار متقابل و مشارکت کامل کشورهای در حال توسعه، نوامبر 1979
- ترجیحات تجاری به کشورهای حوزه های جغرافیایی خاص به استناد معافیت های موقت از ماده یک گات 94 (اصل دول کامله الوداد)
- حذف عوارض گمرکی کالاهای صادراتی کشورهای در حال توسعه توسط کشورهای توسعه یافته
- امکان ایجاد ترتیبات تجاری جنوب - جنوب با تعدیل شرایط ماده 24 گات
- توجه بیشتر به آزادسازی تجاری کالاهای مورد علاقه صادراتی کشورهای در حال توسعه، به استناد فصل چهار گات

ب) انعطاف بیشتر برای کشورهای در حال توسعه در پذیرش تعهدات شامل موارد زیر:

- انعطاف در برقراری حمایت برای تاسیس صنایع جدید
- اتخاذ اقدامات محدود کننده در زمان بروز مشکلات تراز پرداخت ها
- معافیت از برخی مقررات خاص در چارچوب گات 94 و دیگر موافقتنامه های متشکله سازمان تجارت جهانی
- دوره های انتقالی طولانی تر برای اجرای تعهدات و انعطاف ها و معافیت های گسترده تر برای کشورهای در

حال توسعه

ج: ارائه کمک های فنی به کشورهای در حال توسعه

این کمک ها جهت یاری کشورهای توسعه نیافته نسبت به حجم وسیع تعهدات آنها می باشد که بتوانند از عهده تعهدات خود در موافقتنامه های سازمان تجارت جهانی برآیند و شامل ترتیبات مختلفی با هدف ارائه کمک های فنی به منظور ایجاد ظرفیت های تخصصی، سازمانی و حقوقی لازم جهت همگرایی بیشتر کشورهای در حال توسعه در نظام تجاری چند جانبه در موافقتنامه های مختلف سازمان تجارت جهانی است.

برگزاری اجلاس وزرای دوحه در سال 2001 و شروع مذاکرات دور جدید، تحرک جدیدی را برای پیگیری ملاحظات توسعه ای کشورهای در حال توسعه فراهم ساخت. اجلاس وزرای دوحه تصمیماتی را مبنی بر گسترش دامنه همکاری های فنی و ظرفیت سازی اتخاذ نموده و همچنین خواستار تقویت مقررات ناظر بر رفتار ویژه و متفاوت با کشورهای در حال توسعه و بررسی تبعات لازم الاجراء ساختن مفاد غیرالزامی این مقررات شده است.

ایران و سازمان تجارت جهانی

ایران نیز عضویت در سازمان تجارت جهانی را در برنامه های راهبردی خود منظور کرده و از سال 1375 درخواست عضویت خود را به دبیرخانه این سازمان ارائه نموده است. طی سال های گذشته قبول عضویت ایران با مخالفت حداقل یکی از اعضاء که آمریکا است، مواجه بوده است. نظر منفی آمریکا باعث می شد که اجماع لازم به دست نیامده و پذیرش ایران مورد موافقت قرار نگیرد. البته حتی اگر یک عضو ضعیف هم با پذیرش ایران مخالفت کند، باز هم عضویت ایران در دستور کار سازمان تجارت جهانی قرار نمی گرفت. به هرحال نشست شورای عمومی در روز 26 مه 2005 (5 خرداد 1384) برای بیست و دومین بار درخواست الحاق ایران را که 9 سال پیش در 19 ژوئیه 1996 (28 تیر 1375) تسلیم این سازمان شده بود را مورد بررسی قرار داد و بر خلاف نشست های پیشین طی 4 سال گذشته بدون ابراز مخالفت آمریکا، درخواست اجماعاً مورد پذیرش اعضا قرار گرفت و بدین ترتیب ایران با کسب عضویت ناظر، این سازمان، روند عضویت کامل (الحاق) این سازمان را آغاز کرد.

به هرحال در صورت پذیرش ایران، مذاکرات ایران و سازمان تجارت جهانی از زمان موافقت حدود یک دهه پیش بینی می شود که طول بکشد. مدت مذاکرات برخی کشورها بسیار کوتاه و برخی بسیار طولانی بوده است. مثلاً مذاکرات سازمان تجارت جهانی با ارمنستان برای قبول عضویت این کشور تنها 2 ماه طول کشید. در حالی که مدت مذاکرات با چین حدود 15 سال است و رقم زمان مذاکره سازمان تجارت جهانی با ایران فقط یک برآورد می تواند باشد.

براساس موافقتنامه های سازمان تجارت جهانی، کشورها باید تعرفه ها را به تدریج حذف کنند. در حال حاضر با تعرفه صفر، عملاً نفت از موافقتنامه های سازمان تجارت جهانی خارج است و موافقتنامه های آن مشمول فرآورد ه های نفتی نمی شود. بر این اساس ورود کالاهای صادراتی کشورهای صنعتی به کشورهای نفتی منجمله ایران مشمول حذف تعرفه شده اما واردات نفتی کشورهای صنعتی از کشورهای نفتی و ایران مشمول حذف یا کاهش تعرفه نمی شود و نفت بخش بزرگی از صادرات این کشورها را تشکیل می دهد. البته ناگفته نماند که در عوض

تعرفه کشورهای توسعه یافته مالیات زیادی بر مصرف نفت و فرآورده های آن می بندند که همان اثر تعرفه های سنگین بر نفت را به جا می گذارد. این موضوع بسیار تعیین کننده است و به همین دلیل آمریکا و دیگر کشورهای صنعتی از مطرح شدن بحث نفت و فرآورده های نفتی هراس دارند زیرا برای مثال از یک یورو پرداختی برای بنزین در اروپا حدود 16 سنت آن پول نفت خام است که به کشورهای صادرکننده پرداخت می شود و 16 سنت هم هزینه پالایش، حمل و توزیع است و 68 سنت باقی مانده مالیاتی است که کشورهای اروپایی از مصرف بنزین دریافت می کنند. اما اگر نفت مشمول مقررات کالائی سازمان تجارت جهانی شود و کشورهای نفت خیز عضو سازمان تجارت جهانی با هم هماهنگ باشند، می توانند خواستار این شوند که یا 68 درصد مالیات محصولات نفتی دریافت نشود در غیر این صورت کشورهای نفت خیز باید بر کالاهای وارداتی از کشورهای صنعتی 68 درصد تعرفه تعیین کنند. این موضوع بسیار تعیین کننده و جنجال برانگیز خواهد بود. برخی علت مخالفت آمریکا با ورود ایران در سازمان تجارت جهانی را هراس از طرح این موضوع می دانند. دفتر نمایندگی تام الاختیار تجاری ایران وابسته به وزارت بازرگانی در سال 1375 باهدف پیگیری الحاق ایران به سازمان تجارت جهانی تشکیل گردید. وزیر بازرگانی نماینده تام الاختیار تجاری ایران می باشد که با حکم رئیس جمهور به این سمت منصوب گردیده است. دفتر نمایندگی تام الاختیار تجاری ایران در حال حاضر فعالیتهای خود را در حوزه های پژوهشی و مشاوره ای، آموزشی و اطلاع رسانی، هماهنگی های اجرایی و ارتباطات بین المللی ادامه می دهد.

مذاکرات با اتحادیه اروپا:

قبل از انقلاب، ایران و اتحادیه اروپا براساس قراردادی از روابط تجاری کامله الوداد برخوردار بودند و قراردادی میان طرفین امضاء شده بود که در سال 1977 عملاً به تعلیق درآمد. پس از انقلاب در سال 1995 برای اولین بار گفتگوی سیاسی این اتحادیه با ایران آغاز شد. و در سال 1997 گسترده تر گردید و در سال 1998 فراگیرتر شد. این گفتگوها در سه حوزه موضوعات جهانی (ترورسیم، حقوق بشر و منع تکثیر سلاح های هسته ای) موضوعات منطقه ای (عراق، خلیج فارس، آسیای مرکزی و فرآیند صلح خاورمیانه) و حوزه های همکاری (مواد مخدر، پناهندگان، انرژی، تجارت و سرمایه گذاری) انجام گرفت. حوزه مسایل و موضوعات مورد گفتگو محدود و فاقد چارچوب منسجم قرارداد بود. در هفتم فوریه سال 2001 کمیسیون اروپایی با صدور اعلامیه ای که در ماه مه همان سال به تصویب شورای اتحادیه اروپا رسید چشم انداز و شرایط برقراری روابط نزدیکتر اقتصادی و سیاسی با ایران در قالب یک موافقتنامه تحت عنوان موافقتنامه همکاری و تجارت را ترسیم کرد. این نوع موافقتنامه در

چارچوب توافق‌های غیرترجیحی قرار می‌گیرد و اتحادیه اروپا تاکنون با کشورهای زیادی مشابه آن را منعقد کرده است. در این نوع موافقتنامه هدف فراهم آوردن چارچوب مناسب گفتگوی سیاسی به منظور توسعه روابط سیاسی، توسعه تجارت و سرمایه‌گذاری و برقراری روابط هماهنگ اقتصادی و فراهم آوردن مبنایی برای همکاری‌های فرهنگی، فن‌آوری، مالی، اجتماعی و اقتصادی بین دو طرف می‌باشد.

تاکنون چهار دور مذاکرات در ارتباط با موافقتنامه همکاری و تجارت بین دو طرف انجام شده است. طی دوره‌های مذاکرات فوق ساختار موافقتنامه شامل مقدمه، بخش تجارت و سرمایه‌گذاری، بخش همکاری، بخش مقررات و بخش مقررات نهادی و نهایی و هم در خصوص موضوعات محتوایی مورد علاقه طرفین بحث و تبادل نظر شده است. لازم به ذکر است که کالاهای صادراتی ایران برای فروش در اروپا با تعرفه 20 تا 25 درصدی مواجه است. در حالیکه کالاهای ترکیه ای به دلیل اینکه این کشور عضو سازمان تجارت جهانی است، از این تعرفه‌ها معاف است. 20% تا 25% اختلاف قیمت به دلیل تعرفه‌های بازرگانی در دنیایی که حتی یک درصد اختلاف قیمت هم در رقابت کالاها تأثیرگذار است، باعث می‌شود که کالاهای ما توان رقابت با کالاهای دیگر کشورها را نداشته باشد.

کلیات الزامات ایران در فرایند الحاق

ایران برای پیوستن به سازمان تجارت جهانی باید اصلاحات ساختاری متعددی را انجام دهد. از جمله این اصلاحات می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

(۱) بسترسازی قانونی از طریق بازنگری در برخی قوانین نظیر قوانین اساسی، کار، تجارت، سرمایه‌گذاری خارجی، بیمه، بانکداری، گمرک، مالیات، و ... و تطبیق آنها با قوانین و مقررات سازمان تجارت جهانی.

(۲) بسترسازی اقتصادی از طریق شناخت پتانسیل در مزیت‌های نسبی بالقوه و بالفعل در بخش‌های عمده اقتصادی و افزایش قدرت رقابت محصولات صادراتی کشور.

(۳) توانا ساختن بنگاه‌ها در عرضه محصولات با کیفیت برتر و از لحاظ قیمتی قابل رقابت با محصولات مشابه در بازارهای جهانی.

(۴) ایجاد ظرفیت اضافی برای صادرات کالاهای صنعتی و بالا بردن سهم این قبیل صادرات در کل صادرات غیر نفتی کشور.

(۵) ایجاد شرایط ثبات سیاسی و اقتصادی برای کشور.

(۶) ایجاد هماهنگی در سیاست‌های پولی، مالی، ارزی و تجاری کشور.

(۷) فراهم ساختن شرایط لازم برای رشد صادرات.

(۸) اصلاح گمرکات کشور.

(۹) مشارکت در مذاکرات سازمان تجارت جهانی از طریق مطالعات مستمر و تحقیقات دقیق بازرگانی حقوقی توسط گروه های کاری منسجم و متخصص.

(۱۰) ارزش قائل شدن برای تخصص ها و اصلاح نظام های موجود بر اساس محوریت دانش.

(۱۱) نظام آماری بهنگام و کارا از اقدامات انجام شده در ارتباط با مسئله فوق تصویب سند فرابخشی زمینه سازی

ادغام های اقتصادی منطقه ای

ادغام های منطقه ای با ایجاد بازارهای بزرگ، هماهنگی سیاست های ارزی، مالیاتی و قوانین بازار کار به کشورها امکان می دهند تا با ریسک کمتری وارد بازار جهانی شوند. از منظر تولید، ادغام ها و اتحادیه های اقتصادی به کشورهای منطقه امکان می دهند تا هریک امکانات خود را صرف تولید کالاهای مشخصی کنند. تولید برای بازار بزرگتر، اجتناب از دوباره کاری و هزینه های دوباره، تقسیم کار و تخصص موجب افزایش کارایی و کاهش هزینه تولید شده و امر انتقال تکنولوژی و رقابت در بازار جهانی را تسهیل خواهد کرد. همچنین همکاری و اتحادیه های منطقه ای کار سرمایه گذاری برای ایجاد تاسیسات و زیر ساخت های لازمه، آموزش نیروی کار و ایجاد ظرفیت های لازم را تسهیل می کنند.

از سوی دیگر، کشورهای در حال رشد و توسعه نیافته در مذاکرات بین المللی دارای موقعیت ضعیفی می باشند. ایجاد بازار منطقه ای موضع کشورهای در حال رشد و توسعه نیافته را در انجام مذاکرات بین المللی تقویت خواهد کرد.

در مجموع، ایجاد ادغام های اقتصادی منطقه ای شیوه مناسبی برای پیشبرد مرحله ای استراتژی جهانی شدن است که بهره برداری مطلوب از فرصت های جدید اقتصاد جهانی و کنترل و کاهش زیان های احتمالی جهانی شدن را تسهیل می کند. در واقع طی چهار دهه اخیر روند جهانی شدن با رشد سریع شکل گیری ادغام های اقتصادی منطقه ای همراه بوده است، مانند پیمان تجارت آزاد آمریکای شمالی (NAFTA)، جامعه کشورهای کارائیب (CARICOM)، بازار مشترک آمریکای جنوبی (MERCOSUR)، پیمان تجارت آزاد آسیا (AFTA)، مجمع همکاری های اقتصادی آسیا واقیانوس آرام (APEC) و اتحادیه اروپا.

انواع ادغام های منطقه ای

ادغام های اقتصادی منطقه ای را بسته به آن که اقتصاد کشورهای تشکیل دهنده آنها تا چه حد در هم ادغام شده باشند می توان به چهار گروه اصلی تقسیم کرد:

۱. منطقه تجارت آزاد که در آن کشورهای عضو با توافق متقابل موانع موجود بر سر تجارت آزاد بین یکدیگر را حذف می کنند اما سیاست های تجاری متفاوت خود را در رابطه با سایر کشورها حفظ می کنند.
 ۲. اتحادیه گمرکی که در آن کشورهای عضو علاوه بر استقرار تجارت آزاد بین یکدیگر، سیاست تجاری مشترکی نیز در برابر کشورهای غیرعضو اتخاذ می کنند (مانند تعرفه های برابر، موانع غیر تعرفه ای یکسان).
 ۳. بازار مشترک که در آن علاوه بر تجارت آزاد بین کشورهای عضو و سیاست تجاری مشترک در برابر کشورهای غیرعضو، گردش عوامل تولید (سرمایه و نیروی کار) در بین کشورهای عضو نیز آزاد می باشد.
 ۴. اتحادیه اقتصادی که در آن علاوه بر موارد فوق سایر سیاست های اقتصادی تحت نظارت یک نهاد فرا ملی هماهنگ و نهایتاً یکسان می شوند. این بالاترین شکل ادغام اقتصادی است که در آن کشورهای عضو تنها به لحاظ سیاسی مستقل می باشند.
- در سال ۲۰۰۵ بنا بر آمار سازمان تجارت جهانی ۲۵۰ ادغام اقتصادی منطقه ای وجود داشت که اکثر ادغام های موجود از دو نوع اول، یعنی منطقه تجارت آزاد و اتحادیه گمرکی می باشند. تنها تعداد انگشت شماری بازار مشترک و تنها یک اتحادیه اقتصادی به معنای دقیق کلمه (اتحادیه اروپا) وجود دارد.
- در این رابطه، می بایست میان ادغام اقتصادی بین کشورهایی که دارای سطح زندگی و بافت اقتصادی مشابه می باشند و ادغام هایی که کشورهای توسعه یافته و توسعه نیافته و در حال رشد را در بر میگیرند تمیز قائل شد. ادغام های نوع اول به نسبت دارای دست آوردهای محدودتری می باشند. برعکس، ادغام های نوع دوم مانند روند جهانی سازی دارای دست آوردهای بسیار گسترده ای می باشند، اما مانند روند جهانی سازی از مشکل نابرابری نیروی سیاسی و اقتصادی کشورها، توزیع نابرابر منافع و هزینه های اصلاحات اقتصادی و بسیاری از مشکلات دیگر روند جهانی شدن نیز رنج می برند. همچنین، در نوع دوم ضرورت ایجاد سیستم بیمه و امنیت اجتماعی برای حمایت از کشورها، بخش های اقتصادی و اقشار اجتماعی که در برابر اصلاحات اقتصادی حاصل از ادغام اقتصادی ضربه پذیرند ضروری تر است.

ویژگی های انواع ادغام های اقتصادی

اتحادیه اقتصادی	بازار مشترک	اتحادیه گمرکی	مناطق تجارت آزاد	
✱	✱	✱	✱	حذف موانع تجارت آزاد
✱	✱	✱		سیاستهای تجاری مشترک در برابر کشورهای غیر عضو
✱	✱			گردش آزاد عوامل تولید (کار و سرمایه)
✱				هماهنگی سیاستهای اقتصادی زیر نظر یک ارگان فراملی

اتحادیه اروپا

اتحادیه اروپا پیشرفته ترین و بغرنج ترین بلوک اقتصادی جهان است. اتحادیه اروپا یک ادغام اقتصادی عمیق است

که بر پایه یک چارچوب حقوقی و اصول سیاسی محکمی بنا شده است. مهمترین این اصول عبارتند از:

- بازار واحد برای کشورهای عضو اتحادیه و ارتقا سیاست باز در برابر سایر کشورهای جهان
- استانداردهای حداقل یکسان برای بازار کار و سیستم های بیمه اجتماعی ملی مستقل
- حکومت قانون، رعایت حقوق بشر و دموکراسی سیاسی

سابقه اتحادیه اروپا به بازار مشترک اروپا باز می گردد که با معاهده رم در سال ۱۹۵۷ با مشارکت ۶ کشور تاسیس

شد. بازار مشترک اروپا همواره پدیده ای بیش از یک نهاد اقتصادی بوده است. انگیزه اولیه برای تشکیل بازار

مشترک اروپا اتحاد آلمان و فرانسه بود تا رقابت بین آنها نتواند بار دیگر به جنگ های بزرگ بین المللی بیانجامد.

بعد از تشکیل حکومت شوروی و گسترش جنگ سرد جلوگیری از خطر شوروی نیز به این انگیزه افزوده شد. از سال

۱۹۵۷ تا کنون اتحادیه اروپا ۵ مرحله را پشت سر گذاشته است:

- ۱۹۵۸-۱۹۶۸: حذف تعرفه های گمرکی بین ۶ کشور پایه گذار و پذیرش یک سیاست تجاری مشترک در برابر

کشورهای غیر عضو.

- ۱۹۷۳-۱۹۸۶: پیوستن دانمارک، ایرلند و بریتانیا در دهه ۱۹۷۰ و یونان، پرتغال و اسپانیا در دهه ۱۹۸۰. همچنین تاسیس فدراسیون تجارت آزاد (Federation of Free Trade Agreement) با کشورهای منطقه مدیترانه، آفریقا، کارائیب و اقیانوس آرام.
 - ۱۹۸۶-۱۹۹۲: تاسیس بازار مشترک اروپا و اقدام کشورهای بنیان گذار بازار مشترک برای تاسیس اتحادیه اروپا (امضا پیمان Maastricht در ۱۹۹۱)
 - ۱۹۹۲-۱۹۹۹: پیوستن اتریش، فنلاند و سوئد و اقدام برای اجرای کامل بازار مشترک اروپا و پیمان Maastricht.
 - ۱۹۹۹ تا کنون: پذیرش پول واحد اروپا توسط ۱۱ کشور (متعاقبا ۱۲ کشور) و تاسیس بانک مرکزی اتحادیه اروپا و کنفرانس نیس (Nice) در سال ۲۰۰۱ برای اصلاح سیستم رای گیری در اتحادیه اروپا.
- اتحادیه اروپا در پیشبرد برنامه توسعه و رشد اقتصادی این منطقه از موفقیت چشمگیری برخوردار بوده و با پذیرش کشورهای جدید در دهه اخیر گسترده تر شده است.

منطقه آمریکا

در منطقه آمریکا ادغام اقتصادی همواره به عنوان امری استراتژیک در دستور کار بوده است. پیمان تجارت آزاد آمریکای شمالی (NAFTA) که در سال ۱۹۹۴ آغاز به کار کرد مهمترین اتحادیه اقتصادی منطقه آمریکا است که دو کشور توسعه یافته صنعتی آمریکا و کانادا و یک کشور در حال رشد یعنی مکزیک را در بر می گیرد. در مجموع NAFTA تنها یک منطقه تجارت آزاد است و به لحاظ درجه ادغام اقتصادی بسیار عقب تر از اتحادیه اروپا می باشد.

سه ادغام اقتصادی مهم دیگر منطقه آمریکا عبارتند از:

- بازار مشترک MERCOSUR که شامل آرژانتین، برزیل، پاراگوئه و اروگوئه می شود (تاریخ تاسیس ۱۹۹۱)
- اتحادیه گمرکی ANCOM که کشورهای بولیوی، پرو و ونزوئلا را در بر می گیرد (تاسیس ۱۹۶۹، تجدید نظر ۱۹۹۰)

- بازار مشترک کارائیب (CARICOM) که در تاریخ ۱۹۷۳ تاسیس شده و شامل مجموعه ای از کشورهای آمریکای لاتین می شود.

برنامه ادغام اقتصادی در آمریکای لاتین و کارائیب از حد آزادسازی تجارت فراتر رفته ابعاد مالی، اقتصاد کلان، اجتماعی و سیاسی را نیز در بر می گیرد. قوانین مربوط به کار، محیط کار و اشتغال یکی دیگر از جنبه های مهم روند ادغام اقتصادی آمریکای لاتین می باشند. روند ادغام اقتصادی آمریکای لاتین موجب پیدایش مجموعه ای از نهادهای منطقه ای مانند پارلمان آمریکای لاتین، صندوق ارز آمریکای لاتین و مجمع هایی برای مشارکت نهادهای غیر انتفاعی غیر دولتی شده است. اما در عمل محدودیت منابع و بحران های اقتصادی و سیاسی متعدد پیشبرد برنامه ادغام اقتصادی منطقه آمریکای لاتین را دشوار ساخته است.

آسیا

در آسیا دامنه برنامه های ادغام اقتصادی عمدتاً به تجارت آزاد و همکاری های اقتصادی و امنیتی محدود می شود که درجه تکامل و پیچیدگی آنها بسیار کمتر از ادغام های اقتصادی مناطق اروپا و آمریکا می باشد. دو ادغام اقتصادی مهم این منطقه عبارتند از:

- AFTA: پیمان تجارت آزاد آسیا (ASEAN Free Trade Agreement) در سال ۱۹۹۲ در نشست سران کشورهای ASEAN تاسیس شد که شامل ۱۰ کشور اندونزی، سنگاپور، مالزی، برونای، فیلیپین، تایلند، ویتنام، کامبوج، لاوس و میانمار (Myanmar) می باشد. سازمان ASEAN خود یک نهاد بین دولتی است که در سال ۱۹۶۷ به منظور توسعه همکاری های منطقه ای توسط ۶ کشور سنگاپور، مالزی، تایلند، اندونزی، فیلیپین و برونای تاسیس شد. این نهاد در امر پیشبرد برنامه توسعه اقتصادی از موفقیت چشمگیری برخوردار نبود. لذا در سال ۱۹۹۲ شش کشور موسس آن اقدام به تاسیس پیمان تجارت آزاد آسیا (AFTA) کردند و متعهد شدند که تا سال ۲۰۰۸ کلیه موانع تجارت آزاد بین کشورهای عضو را حذف کنند. این مهلت متعاقباً به سال ۲۰۰۳ تغییر داده شد. الحاق ۴ کشور کامبوج، لاوس، میانمار و ویتنام به AFTA این سازمان را با چالش های جدیدی مواجه ساخته است. همچنین رقابت فزاینده آسیای شرقی به ویژه چین AFTA را مجبور ساخته است تا وارد پیمان های جدیدی با سایر کشورهای شرق آسیا گردد. در این راستا در سال ۲۰۰۰ AFTA به منظور ایجاد یک اتحادیه تجارت آزاد با ژاپن با این کشور وارد مذاکره گردید.

• APEC: سازمان همیاری اقتصادی آسیا و اقیانوس آرام مهمترین سازمان ادغام اقتصادی منطقه آسیا است که در سال ۱۹۸۹ با ابتکار دولت استرالیا تاسیس شد. این سازمان علاوه بر کشورهای آسیای شرقی و جنوب شرقی، از جمله چین و تایوان، شامل کشورهای استرالیا، نیوزلاند، آمریکا، کانادا، مکزیک، شیلی و چند کشور دیگر نیز می شود. در سال ۱۹۹۴ کشورهای عضو APEC متعهد شدند که تا سال ۲۰۲۰ تجارت آزاد و گردش آزاد سرمایه بین کشورهای منطقه را به مرحله عمل در آورند. کشورهای توسعه یافته عضو متعهد شدند که این امر را بین خود تا سال ۲۰۱۰ عملی کنند. علیرغم این تعهدات APEC تا کنون دارای موفقیت چشمگیری نبوده است. در میان کشورهای خلیج فارس نیز یک ادغام منطقه ای تحت عنوان شورای همیاری خلیج فارس وجود دارد که از وزن اقتصادی قابل توجهی برخوردار نمی باشد.

آفریقا

در منطقه آفریقا سیاست ادغام اقتصادی یکی از ارکان صلح و ثبات منطقه و پایه استراتژی آن برای ورود به بازار جهانی است. جلب سرمایه گذاران داخلی و خارجی و ایجاد ظرفیت ها و مهارت های لازم از اهداف عمده این استراتژی است. در این روند نهادها و سازمانهای متعددی تاسیس شده اند که وظیفه عمده آنها پیشبرد برنامه ادغام اقتصادی منطقه می باشد. در سال ۲۰۰۱ با تاسیس اتحادیه آفریقا برنامه ادغام اقتصادی این منطقه وارد مرحله جدیدی شد. "مشارکت نوین برای توسعه آفریقا" یکی از برنامه های کلیدی اتحادیه آفریقا است که در واقع یک برنامه استراتژیک جامع برای توسعه منطقه است. یکی از اهداف عمده این استراتژی عبارتست از "جلوگیری از حاشیه ای شدن این منطقه در روند جهانی سازی". اما، متأسفانه در عمل بسیاری از اهداف فوق در حد برنامه باقی مانده اند و در مجموع ادغام اقتصادی این منطقه دارای موفقیت چشمگیری نبوده است.

ادغام های منطقه ای و جهانی شدن

همانطور که در پیش گفته شد، ادغام های منطقه ای روش مناسبی برای پیوستن به روند جهانی سازی با هزینه کمتر و دست آورد بیشتر است. در واقع در این روش تشکیل ادغام های منطقه ای گام اول ورود به جهانی شدن است. این روش به کشورهای در حال رشد اجازه می دهد تا با همکاری یکدیگر و با تقسیم کار و بازار ظرفیت های لازم برای پیوستن به اقتصاد جهانی را در کشورهای خود ایجاد کنند، با پشتیبانی از یکدیگر با قدرت بیشتری وارد مذاکرات جهانی بشوند و با همیاری و پشتیبانی یکدیگر پیامدهای منفی جهانی شدن را به حداقل برسانند.

همانطور که در بالا نشان داده شد، در عمل روند جهانی شدن با رشد سریع شکل گیری اتحادیه های منطقه ای همراه بوده است. در واقع میتوان ادعا کرد که آنچه در حال صورت گیری است روند جهانی شدن اتحادیه های منطقه ای می باشد که در حال حاضر از طریق گسترش سه بلوک اتحادیه های منطقه ای آمریکا، اروپا و آسیای شرقی در حال شکل گیری است.

اما همچنان باید اضافه کرد که برنامه ادغام اقتصادی در صورتی می تواند روند جهانی شدن را به صورتی مطلوب به سر انجام برساند که شامل ابعاد اجتماعی و سیاسی باشد و با مشارکت نمایندگان کلیه اقشار اجتماعی به نحوی دموکراتیک به پیش برده شود و نهادهای اجرایی و قانون گذاری آن شفاف و در مقابل مردم پاسخگوی سیاست های خود باشند.